

## شاعری که راوی رنج زین معاصر است

جلسه‌ی نقد و بررسی کتاب شعر «درخت‌ها دویده‌اند» برگزار شد

تویخانه (۶)

## سر نوشت غم بار مطبوعات در ایران

مشروطه (۵)

معاون استاندار زنجان عنوان کرد:

## تولید ۵۰۰ مگاوات برق خورشیدی در افق بلند مدت

صفحه ۸

## گاهی حقیقت در یک لبخند ساده است

بهترین فیلم‌ام را هنوز نساخته‌ام

گفت و گوی اختصاصی با رضا میر کریمی، فیلمساز

هفت حوض (۲)





### صنعت چاقوسازی زنجان در معرض رکود و فراموشی

هفت‌حوض-چاقوسازی از هنرهای اصیل مردم استان زنجان است که فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته و اکنون با چالش‌های جدی مواجه است که به عقیده فعالان این صنعت در صورت حمایت نشدن در مدت کوتاهی به رکود فراموشی سپرده می‌شود.

به گزارش ایرناوقتی نام چاقوسازی زنجان به‌میان می‌آید؛ قدمت دیرینه آن در اذهان پدیدار می‌شود چون بسیاری از عموم مردم زنجان با این هنر اصیل و بی‌بدیل آشنا هستند و این هنر نسل در نسل به هنرمندانی رسیده که در کوچه پس کوچه‌های این شهر برای حفظ آن تلاش کرده‌اند. از سال‌های بسیار دور تا حالا نام زنجان برای هر شنونده‌ای، تداعی‌کننده چاقوهای باکیفیت و مرغوب بوده‌است که به دست هنرمندان و صنعتگران چاقوساز زنجانی تولید می‌شود. اعلام تاریخ دقیق و قطعی زمان آغاز این صنعت در استان زنجان میسر نیست ولی بنابر اسناد تاریخی، قدمت چاقوی زنجان به بیش از دوران مردان نمکی بر می‌گردد چون چاقو یکی از شیای پیداشده کنار این گنجینه تاریخی است.

از این چاقو به عنوان اولین و قدیمی‌ترین سند موقّق به دست آمده در خصوص صنعت چاقوسازی زنجان نام برده می‌شود و از آن زمان چاقوهای زنجان با ویژگی‌هایی همچون ظرافت، تناسب، آب‌کاری، تیغه‌قدرت‌برش‌وداشتن استادکاران فن از شهرت فراوانی برخوردار بوده‌است.

بنا بر همین بررسی‌ها، در دوره صفویه استادانی چون عبدالغفار ساکاک در زمینه چاقوسازی زنجان نقش مهمی در رونق این صنعت مهم داشته‌اند و معروفترین چاقوهای دوره حکومت قاجار چاقوهای کِرندو یا چاقوهای ساخت حسن استاد زنجانی بوده‌است. از جمله مدارک موثّق دیگر از سازمان اسناد و کتابخانه ملی می‌توان به مکاتبات و یک برگ صورتجلسه چاقوسازان در تاریخ ۱۳۳۳ شمسی اشاره کرد که در این سند اسامی و افضای ۳۱ نفر از چاقوسازان زنجانی قید شده‌است. پس از گذشت سال‌ها صنعت چاقوسازی این استان با فراز و نشیب فراوان به مسیر خود ادامه می‌دهد، هر چند استادکاران بالااثر کارهای فاخر نام خود را جوادانه کرده و برخی دیگر بازبر دستی در حال حفظ این هنر اصیل برای آیندگان هستند.این در حالی است استادکاران این رشته اصیل زنجان، معتقدند فروش و تولید این محصول و وضعیت چندان خوبی ندارد، چون تورم، گرانی، تأمین دشوار مواد اولیه و نبود حمایت‌های کافی بر کیفیت و فروش این هنر اصیل سایه انداخته‌است.

**صنعت چاقوسازی زنجان در معرض رکود و فراموشی**
رئیس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی شهرستان زنجان بیان اینکه صنعت چاقوسازی در زنجان به‌طور مستقیم و غیر مستقیم برای حدود ۰۱ هزار نفر اشتغال ایجاد کرده‌ است، می‌گوید: این صنعت در کارگاه‌های کوچک و بزرگ، خانوادگی و نسل‌به‌نسل ادامه دارد و به حفظ مهارت‌ها و هنرهای سنتی چاقوسازی کمک می‌کند.
مهدی باقری می‌افزاید: همچنین این صنعت در روستاهای استان باعث کاهش مهاجرت به شهرهای بزرگ و تقویت اقتصاد روستایی شده‌ است. وی با بیان اینکه چاقوهای زنجان به دلیل کیفیت بالا، طراحی خاص، استحکام و ظرافت نه تنها در بازار داخلی بلکه در بازارهای بین‌المللی مشتریان زیادی دارد، اضافه می‌کند: این صنعت به عنوان یکی از منابع درآمدی مهم استان زنجان شناخته می‌شود.

باقری می‌افزاید: تولید و فروش چاقو به کشورهای دیگر به افزایش درآمد‌های غیر نفتی استان کمک کرده و جایگاه زنجان را در بازار جهانی صنایع دستی تقویت نموده‌است.
رئیس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی شهرستان زنجان با تأکید بر اینکه چاقوسازی یکی از جاذبه‌های مهم گردشگری صنعتی در زنجان است، ادامه می‌دهد: گردشگران داخلی و خارجی، بازار دیدار کارگاه‌های تولید چاقو را فرآیند ساخت این هنر آشنا می‌شوند که این امر به توسعه گردشگری صنایع دستی و افزایش درآمد‌های محلی کمک می‌کند.

صنعت چاقوسازی زنجان نیازمند حمایت همه‌جانبه وی با بیان اینکه صنعت چاقوسازی باعث رونق کسب‌و کارهای مرتبط مانند فروش و شگام‌های لوازم چاقو، عرضه مواد اولیه و خدمات پس از فروش شده‌است می‌افزاید: این موضوع به افزایش اشتغال و توسعه اقتصادی محلی کمک می‌کند. باقری با بیان اینکه چاقوهای زنجان از نظر تنوع شامل انواع چاقوهای ضامن، دارمیوه‌خوری، باغبانی، بقصابی، آشپزخانه و حتی شمشیرهای تزئینی است که با استفاده از مواد اولیه مرغوب و هنر دست استادکاران تولید می‌شود، اضافه می‌کند: این نوع کیفیت بالا، موجب شده چاقوهای زنجان به عنوان نمادی از فرهنگ و هنر ایرانی در جهان شناخته شود.صنعت چاقوسازی زنجان یکی از صنایع دستی مهم و تأثیرگذار در اقتصاد استان و کشور است که با ایجاد اشتغال گسترده در توسعه صادرات، رونق گردشگری و تقویت اقتصاد محلی نقش کلیدی ایفا می‌کند و به‌عنوان یک برند معتبر صنایع دستی ایران در جهان شناخته می‌شود.

باقری خاطر نشان می‌کند: صنعت چاقوسازی زنجان یکی از صنایع دستی مهم و تأثیرگذار در اقتصاد استان و کشور است که با ایجاد اشتغال گسترده در توسعه صادرات، رونق گردشگری و تقویت...
**ادامه در کافه نادری (ستون دویرو)**

هفت‌حوض-سینماسختی تازباست

که از دهان ستارگان می‌روید. هنری که هویت‌اش منبعث از نور و انفجار آن در اعماق تاریکی است. کیست که نداند سینما، معنای خود را از نور می‌یابد و حیات خود را با تصاویر متحرک قوام می‌بخشد. در واقع این روح درخشان دوربین است که در پیکره‌ی پرده‌متجلی می‌گردد و مفهوم خواب‌خود را در حیاتِ حقیقت افشا می‌کند. خوابی که از تخیل کارگردان، الهام گرفته و در صحنه حقیقت زاده (خلق) می‌شود. بنا بر این سینماشکلی از تفکر است که با تصور و تصویر

توأمان است و فیلمسازان بزرگ، فیلسوفانی هستند که با تصویر می‌اندیشند و با اندیشه‌های تصویری در تکوین هستی می‌کوشند.

هر شعر و هنر و نوشته‌ای که مبتنی بر ایماژ است و تصویری زبان‌دار عرضه می‌کند بیش از هر چیزی سینماست، زیرا تصویر متعلق به سینماست و روح آن را بر پا می‌دارد.

نیروی تصویر بر اختلافات زبانی مستولی می‌گردد و بیننده را از اعماق تاریکی به دنیای نور پر تاب می‌کند. نیرویی نمکی بر منبع قدرت بصری و بلاغی که با قوای از استعاره‌ها نشو و نما می‌یابد.

سینما اگر چه محصول دنیای مدرن است ولی به عقیده آیزنشتاین فکر سینما از آغاز جهان وجود داشته و تفکری قدیمی و ازلی است. تفکری که از علامت هیرو گلیف گرفته تا آثار فلورب و داستان‌های دیکنز و... به وفور دیده می‌شود. این هنر، حاصل جمع تمامی هنرهاست، امپراطور نبود ظهوری که تمام هنرها و امکانات بیانی آن‌ها را به خدمت گرفته تا با تکیه بر توان و نیروی چندساحتی و هژمونیک خود به زیر آود چرخ نیلوفری را.

سینما با بینایی انسان سر و کار دارد، حسی عالی و انتزاعی که بیش از هر حواس دیگری به کار مکاشفه می‌آید. حسی که مبین جدایی ذهن از عین است و در عین حال ذهن و عین را به شدیدترین حالت ممکن پیوند می‌دهد و به شناخت ماعمقی مضاعف می‌بخشد. سینما امروز به سمت بهره‌برداری بیشتر از تصویر اهتمام می‌ورزد و تصویر، معدنی است که ذخایرش باهر استخراجی، افزایش می‌یابد و هستی‌اش غنی‌تر می‌گردد! منبع لایزالی که زوال را بر نمی‌تابد و چون زندگی، مرگ را مغلوب خویش می‌سازد و باشادمانی پیش می‌رود.

پس سینمای امروز با توصل به تصاویری مولد و خلاق، توسل غایی خود را بر کلام پایان می‌بخشد و تکیه سنگین خود را از روی کلمه برداشته و در یک فرایند استعلاعی، استغنائی خویش را از این سلسله‌ی تاریخی (کلام) اعلام می‌دارد.

به عبارتی سینماذات معنویت خود را از سینماتو گرافی می‌گیرد و این همان چیزی است که می‌توان از آن به عنوان ارتعاش شعر در دل سینما یاد کرد. به تعبیری سینماتو گرافی شاعرانه‌ترین شکل بیان در خانه سینماست. بیانی جاودمی که در یک دینامیزم سینمایی به غنی‌سازی اندیشه‌های تصویری مبادرت می‌ورزد و بر سرمایه‌ی معنوی خود می‌افزاید. زیرا که سینمای بدون سینماتو گرافی صنعتی خشک و خالی از اعجاز است و روحش را به خاک تاریخ سپرده‌است.

از جهتی سینما اگر چه در گذشته در پی قهرمان‌سازی بود ولی امروز جامعه را جانشین قهرمان خود نموده و در پی این پارادایم شیفت هوشمندانه پهنای باند خود را به شکل شگفت‌انگیزی افزایش داده‌است، چون سینما نیز در یافته که دنیای مدرن دنیای اسطوره‌زدایی شده و قهرمان ستیز است و قهرمانان با همه‌ی شکه و شوالیه‌گی تاریخی‌شان یک نسل رو به انقراض‌اند. اگر چه هنوز ستارگانی در سپهر سینمای جهان می‌درخشند ولی آن‌ها اسم و اعتبار خود را نه از جنبه‌ی قهرمانی که از حیث هنرمندی و ذات بازیگری حرفه‌ای وام می‌گیرند.

یکی از فیلم‌سازان معاصر مارضا میر کریمی است که کاشت و برداشت‌های برانزده‌ای تا به امروز داشته و راه درازی را پیموده تا به روح جهانی سینما بیبویند. او جوایز متعددی از جشنواره‌های بین‌المللی دارد و در جهان سینمای روسیه و هند و چین و ژاپن و... درخشیده و فیلم «زیر نور ماه» او در سال ۲۰۰۱ میلادی جایزه‌ی بهترین فیلم هفته‌ی منتقدین کن را کسب کرده‌است.

ولی هنوز میر کریمی طعم گیلاس خود را از جشنواره‌ی کن نچشیده و او یکی از استعداد‌های درخشان سینمای ایران است که چنین تجربه‌ای در سرنوشت سینمایی او امری دور از ذهن نیست و او یکی از شانس‌های سینمای ما در جشنواره‌های معتبر



## گاهی حقیقت در یک لبخند ساده است

### بهترین فیلم‌ام را هنوز نساخته‌ام گفت و گوی اختصاصی با رضا میر کریمی، فیلمساز حسین نجاری

یا تجربه‌ی شخصی، برای من این فرآیند شبیه به یک جوشش درونی است تا یک تکلیف مهندسی شده کمتر پیش آمده که خودم را مکلف به نوشتن کنم، مگر اینکه تعهدی از پیش وجود داشته باشد. اغلب اوقات، یک جرقه، یک تصویر مبهم، یک شخصیت گنگ، یا حتی یک احساس خاص است که مثل خوره به جانم می‌افتد. این ایده‌ی اولیه، گاهی از یک مشاهده‌ی ساده در خیابان، گاهی از خواندن یک خبر، یا حتی از دل یک خاطره‌ی دور جان می‌گیرد. مثل بذری است که در ذهن کاشته می‌شود و من مدام به آن آب می‌دهم، نور می تابانم و منتظر می‌مانم تا جوانه بزند. این جوانه همان چیزی است که بعداً تبدیل به طرح اولیه‌ی فیلم‌نامه می‌شود.

اینطور نیست که بگویم اول فیلم‌نامه کامل می‌شود و بعد من آماده‌ی ساخت می‌شوم. گاهی ایده آنقدر قدرتمند است و مرا به سمت خود می‌کشد که هم‌زمان با نگارش نسخه‌های اولیه‌ی فیلم‌نامه، به فضاسازی، انتخاب بازیگر و حتی برخی جنبه‌های اجرایی فکر می‌کنم. انگار فیلم‌نامه و خود فیلم، با په پای هم رشد می‌کنند و یکدیگر را کامل می‌کنند. در فیلمی مثل «زیر نور ماه» ایده‌ی یک طلبه جوان که با دنیای بیرون از حجره مواجه می‌شود، آنقدر برابم جذاب و ملموس بود که از همان ابتدا، تصاویر و حس و حال فیلم در ذهن‌شکل گرفته بود. یاد «افسر شیرین» شخصیت جلال و موقعیت برجنجی که در آن گرفتار شده بود، موتور محرک اصلی من برای نوشتن و ساخت فیلم شد. پس می‌توانم بگویم بیشتر این ایده و جهان فیلم است که مرا انتخاب می‌کند و به حرکت وامی‌دارد، نه اینکه من به‌شکلی مکانیکی به دنبال سوژه بگردم. این یک رابطه‌ی دوسویه و ارگانیک است.

**هدف‌تان از ساختن فیلم چی هست، اگر بخواهیم مفصل پذیرفت و بلافاصله وارد صحن و سرای ذهن‌اش شدم و گفت‌وگوی‌ام را با او سامان دادم. اینک خوشه‌ی طلایی این گفت‌وگو را به دستا بر مهرشمامی سپارم:**

جناب میر کریمی پرسوه‌ی خلق یک اثر سینمایی چگونه برای شما اتفاق می‌افتد. آیا این ایده‌ی فیلم و فیلم‌نامه است که شما را برای آغاز یک اثر سینمایی مهیامی‌کند یا شما خود را مکلف به نوشتن فیلم‌نامه می‌کنید تا بعد از طراحی و تکوین فیلم‌نامه، خود را برای ساخت یک پروژه‌ی سینمایی آماده می‌کنید؟ راستش را بخواهید، برای من نقطه‌ی آغاز همیشه یک دغدغه یا تصویر ذهنی است؛ گاهی یک جمله‌ی ساده

بی‌تعارف حرف بزнім بنده فکر می‌کنم هیچ هنرمندی برای غیر خودش کار نمی‌کند، یعنی هنرمند در جستجوی حقیقت است و زندگی کردن در جوار حقیقت را می‌گزیند، به عبارتی در پی مکاشفه است تا با فوران جنون‌آمیزش به تمنای گاهاً متراکم روحی خودش پاسخ مناسبی بدهد. به عبارتی بتواند چیزی بر جهان معنایی خود بیفزاید و بالطبع اثری را خلق کند که به واسطه‌ی آن حرف خودش را که شدیداً در تقلا‌ی بیان آن است، بزند، اینکه هنرمند برای خدمت به خلق و مردم در تلاش و تکاپوست و اثری را برای خاطر آن‌ها تولید می‌کند، حرف بی‌اساسی است و چه بسا همین شوق شناخت و اشتیاق انکشاف و آگاهی است که موجب خلق آفریده‌های فکری و هنری انسان می‌شود و این آفریده‌ها گاه چنان به حد کمال می‌رسند و والا می‌گردند که میراث فرهنگی یک جامعه و حتی فرهنگ بشری را پدید می‌آورند، بنابراین دوست دارم نظر شما را در این رابطه بدانم، آیا شما درک دیگری گون‌های را ماجرا دارید یا نه بر چنین در یافتی صحه می‌گذارید، لطفاً بیشتر برای ما بگویید.

فکر می‌کنم هر هنرمندی، در وهله‌ی اول، برای خودش و برای آن نیاز مبرم درونی به بیان و کشف، دست به خلق می‌زند. این یک سفر شخصی است، یک مکاشفه‌ی درونی برای فهم بهتر خود و جهان پیرامون، وقتی چیزی در درونم متلاطم می‌شود، وقتی سئوالی ذهنم را به شدت درگیر می‌کنند، یا وقتی از مشاهده‌ی یک وضعیت انسانی به وجد می‌آیم یا عمیقاً متأثر می‌شوم، سینما برای من ابزاری می‌شود تا این تراکم روحی را تخلیه کنم، آن را بفهمم و شاید از طریق آن، چیزی به تجربه‌ی زیستی و جهان معنایی خود اضافه‌کنم.

درست است که هنرمند در جستجوی حقیقت است، اما این حقیقت لزوماً یک مفهوم انتزاعی و فلسفی پیچیده نیست. گاهی حقیقت در یک لبخند ساده، در یک نگاه پر از تردید، یا در یک انتخاب اخلاقی دشوار نهفته است. در فیلم «به همین سادگی» تلاش من برای نوبه روشن شدن به حقیقت زندگی یک زن خانه‌دار و روزمرگی‌هایش، در واقع تلاشی برای فهمیدن و ارزش گذاشتن به جنبه‌هایی از زندگی بود که شاید کمتر دیده می‌شوند. این نوعی مکاشفه برای خودم بود.

اما این تمام ماجرا نیست. آز روی هر هنرمندی این است که با این مکاشفه‌ی شخصی، بتواند با دیگران نیز ارتباط برقرار کند، در آن‌ها تأثیر بگذارد و شاید حتی درجه‌ای نو به روشن‌ان بگشاید. پس این «برای خود» کار کردن، در نهایت به «برای دیگران» هم می‌رسد. اما نه از موضع یک معلم یا یک مصلح اجتماعی که می‌خواهد چیزی را دیکته کند، بلکه از جایگاه کسی که تجربه‌ی انسانی خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارد. اگر فیلمی مثل «خیلی دور، خیلی نزدیک» توانسته باشد تلنگری به بیننده‌اش بزند تا به روابط انسانی و معنویات در زندگی‌اش عمیق‌تر نگاه کند، برای من ارزشمند است. پس این دو جنبه، یعنی نیاز درونی هنرمند و ارتباط با مخاطب، به‌نظم و مکمل یکدیگر بندند، نه نافی هم.

**آیا عیناتی هم به نظرات و پیشنهادات عوامل فیلم دارید، معمولاً بعضی فیلم‌سازان گرفتار آن تیختر خاص کارگردانی می‌شوند و چنان فرصت خلاقیت را از خود و خویشتان‌اندان کاری‌شان می‌ستانند، که اثر تهی از هر گونه جذابیت و خلاقیت هنری می‌گردد، با طرح این سئوال می‌خواهم از کم و کیف و از بینش و منش کارگردانی‌تان شناختی پیدا کنم. البته هستند فیلم‌سازانی که عرصه را برای ظهور خلاقیت فراهم می‌کنند، مثلاً کیشلوفسکی به پیشنهاد دستیار تدوین گر خود که از قضا آشنایی چندانی هم با هنر سینما نداشت چند صحنه از فیلم «آبی» را حذف کرده و حذف همین سه چهار دقیقه باعث شکل یودن فیلم آبی شد، آیا شما نیز چنین جان و جهانی دارید؟**

عقلانه تجربه‌ی دریافت‌ام که خلاقیت به محصول تعامل است! من سینما را یک هنر گروهی می‌دانم و معتقدم بدون هم‌دلی، هم‌فکری و خلاقیت تک تک عوامل، رسیدن به یک اثر قابل قبول و تأثیرگذار تقریباً غیر ممکن است.

تیختر در کارگردانی مثل این است که دریا را با سطل اندازه‌گیری! من همیشه سعی کرده‌ام فضایی را در پشت صحنه ایجاد کنم که همه، از بازیگر و فیلم‌بردار گرفته تا طراح صحنه و صداگذار، احساس امنیت و راحتی برای بیان نظرات و ایده‌های‌شان داشته باشند. البته این به معنای آشفتگی و هرج و مرج نیست. کارگردان به عنوان رهبر ارکستر، باید دیدگاه مشخص و منسجمی داشته باشد و در نهایت تصمیم‌گیرنده‌ی اصلی اوست، اما گوش شنوا داشتن و استفاده از پیشنهادات سازنده، می‌تواند به غنای اثر کمک‌شایانی کند. **ادامه در صفحه‌ی ۳ (سبز میدان)**

## موج‌پیداری



### ادامه‌ی گزارش از کافه فیروز

اقتصاد محلی نقش کلیدی ایفا می‌کند و به‌عنوان یک برند معتبر صنایع دستی ایران در جهان شناخته می‌شود وی چالش‌های کنونی این صنعت اصیل را قاچاق محصولات تقلبی با مهر زنجان عنوان و اظهار می‌کند: نیاز به نوآوری در فرآیندها برای رقابت در بازارهای بین‌المللی بیش از گذشته احساس می‌شود.

رئیس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی زنجان یادآوری می‌کند: این صنعت با حفظ میراث چند صدساله و تطبیق با نیازهای مدرن، هم در توسعه پایدار محلی و هم در معرفی هنر ایرانی نقش کلیدی ایفا می‌کند.
**صنعت چاقوسازی زنجان در معرض رکود و فراموشی**
رئیس اتحادیه چاقوسازان استان نیزیکی از عمده‌ترین مشکلات چاقو سازان این استان را نداشتن کارگاه عنوان می‌کند و می‌گوید: اغلب صنعتگران این هنر در کارگاه‌های اجاره‌ای فعالیت می‌کنند و هر ساله نیز اجاره بها سر به فلک می‌کشد و به نوعی دست و بال هنرمندان رامی‌بندد.

محمد رسول زکی با بیان اینکه هر چند کارهای برای حل این معضل با متولیان شرکت شهر کهای صنعتی صورت گرفته‌است، اضافه می‌کند: قول‌هایی برای تأمین کارگاه‌ها انجام گرفته‌اما پروسه دولتی در این بخش به مدت دو سال ادامه دارد.

وی از دیگر مشکلات چاقو سازان را تأمین نشدن مواد اولیه استاندارد عنوان و اظهار می‌کند: برای کیفیت بخشی تولیدات و افزایش رقابت با چاقوهای چینی باید مواد اولیه مرغوب تهیه شود که در صورت مهیا شدن، تولیدات داخلی ارتقا می‌یابد.

رئیس اتحادیه چاقوسازان استان زنجان با بیان اینکه حل این مساله مهم نیازمند توجه مسوولان استانی و کشوری است، ادامه می‌دهد: تمایز چاقوهای زنجان با سایر استان‌ها در ظرافت، استحکام، کیفیت آن است. وی با بیان اینکه هر چند کیفیت و ظرافت چاقوهای زنجان بسیار بالاست اما همین کمبود مواد اولیه، مشکلات زیادی را برای آن ایجاد کرده‌است. ابر از امیدواری می‌کند که به کمک دولتی‌ها این مساله مهم حل شود تا چاقو سازان با خیال راحت به کار خود ادامه دهند.

زکی گفت: در صورت حمایت و کمک مسوولان استانی چاقوسازی استان‌می‌تواند بیش از گذشته حرفی برای گفتن داشته‌باشد.

رئیس اتحادیه چاقوسازان استان زنجان از دیگر مشکلات چاقو سازان استان را انگ و برچسب زدن به تولیدات استان با عنوان سلاح سرد اشاره و اضافه می‌کند: بروز همین مساله چالش‌هایی را برای ارسال تولیدات ایجاد می‌کند و در برخی مواقع ممنوعیت تولید و ارسال محصولات ایجاد می‌شود.

زکی با بیان اینکه وقتی ارسال چاقو در داخل با مشکل مواجه می‌شود همین مساله در صادرات نیز خود را نشان می‌دهد، می‌افزاید: چاقوهای زنجان به صورت چمدانی و زیر باری به کشورهای دیگر ارسال می‌شود. وی با بیان اینکه قمه و قناره یکی از سودآورترین تولیدات صنعت چاقوسازی استان است، خاطر نشان می‌کند: در صورت تسهیل صادرات این محصول می‌توان به سودآوری بیشتری آن امیدوار بود.

**نبود حمایت از هنرمندان چاقوساز زنجانی**

یک هنرمند چاقوساز که از سال ۷۴ به کار چاقوسازی اشتغال دارد به مشکلات این هنر اشاره و می‌گوید: از سال ۹۶ یک کارگاه تولیدی و تلفیقی از چاقوهای صنعتی و سنتی راه اندازی و با معضلات زیادی دست و پنجه نرم کرده‌است.

علی احمدی گفت: هم اکنون ۵۰ نفر به صورت مستقیم در این کارگاه تولیدی مشغول به کار هستند ولی با مشکل کمبود نقدینگی مواجه هستیم.

احمدی یکی از چالش‌های اصلی چاقوی زنجان را واردات بی رویه به ویژه چاقوهای چینی عنوان می‌کند و می‌گوید: اغلب زنان خانه‌دار این نوع چاقو‌ها را خریداری می‌کنند، در حالی که چاقوی زنجان از ظرافت و کیفیت بالایی برخوردار است.

این هنرمند چاقوساز زنجانی یکی دیگر از معضلات هنرمندان این صنعت را مساله بیمه عنوان نموده و خاطر نشان می‌کند: متأسفانه اسسال ۵۰ درصد کمک دولتی بیمه فعالان این صنعت برداشته شده و همین مساله‌انگرا‌ی‌هایی را برای فعالان این رشته ایجاد کرده‌است.

وی با تأکید بر اینکه اسسال از سوی مقام معظم رهبری به شعار سرمایه‌گذاری برای تولید نامگذاری شده، اما حمایت کافی از تولیدکنندگان صورت نمی‌گیرد، اضافه می‌کند: دولت بارها به اشتغال و اشتغال آفرینی تأکید می‌کند اما حذف همین کمک دولتی فعالان صنعت چاقوسازی را دل‌گیران کرده‌است.

احمدی با بیان اینکه تأمین مواد اولیه مورد نیاز از دیگر چالش‌های چاقوسازان زنجانی است، خاطر نشان می‌کند: متأسفانه تسهیلاتی در اختیار فعالان این عرصه قرار نمی‌گیرد و همین مساله نیز به معضلات کنونی این صنعت افزوده‌است.

وی با تأکید بر اینکه بارها مشکلات و مسائل چاقوسازان به متولیان امر اعلام شده اما گوش شنوایی برای این مطالبات نیست، اضافه می‌کند: چاقو هنر اصلی این خطه از سرزمین کهن ایران است که باید برای پویایی آن تلاش بیشتری کرد، در غیر این صورت در معرض خطر و نابودی قرار می‌گیرد.



## رئیس سازمان فضای سبز شهرداری: دیوار تاریخی میدان انقلاب زنگان مرمت می‌شود



**هفت‌حوضی** - رئیس سازمان سیماء منظر و فضای سبز شهری شهرداری زنگان از آغاز ساماندهی تابلوهای تبلیغاتی میدان انقلاب‌خبر داد.

به گزارش ایسنا، سعید دوستی اظهار کرد: تابلوهای میدان انقلاب زنگان با طراحی جدید و الهام گرفته از معماری ایرانی-اسلامی و استفاده از کاشی‌های فیروزه‌ای طراحی و نصب خواهد شد.

وی با اشاره به ارزش تاریخی جلداره میدان انقلاب، افزود: جلداره این میدان که واجد ارزش‌های تاریخی، میراث فرهنگی و هویت معماری شهر زنگان است، مرمت و احیا می‌شود. این جلداره تاریخی متعلق به اواخر دوره قاجار بوده و در فهرست آثار ملی ثبت شده است.

دوستی ادامه داد: ساماندهی تابلوهای تبلیغاتی میدان انقلاب از جمله موضوعاتی است که طی سال‌های گذشته همواره مطرح بود اما به دلایل مختلف اجرایی نمی‌شد. اکنون با برنامه‌ریزی صورت‌گرفته در سازمان سیماء منظر و فضای سبز شهری، این طرح ارزشمند در حال اجراست.

رئیس سازمان سیماء منظر و فضای سبز شهری شهرداری زنگان همچنین از اجرای نورپردازی جلداره میدان و المان مرکزی آن به‌عنوان بخش دیگری از اقدامات این سازمان در راستای ارتقای زیبایی بصری میدان انقلاب یاد کرد.

گفتنی است زیباسازی شهری تنها به معنای زیبایی بصری نیست، بلکه یکی از ارکان اصلی ارتقای کیفیت زندگی در شهرها به‌شمار می‌رود. طراحی هماهنگ و متناسب با هویت تاریخی و فرهنگی فضاهای شهری، احساس تعلق خاطر شهروندان را تقویت کرده و نقش مهمی در افزایش نشاط اجتماعی و ارتقای حس امنیت، کاهش آشفته‌گی‌های بصری و حتی رونق گردشگری شهری ایفا می‌کند. از این منظر، اقداماتی مانند ساماندهی تابلوهای تبلیغاتی و نورپردازی اصولی بناهای تاریخی، نه تنها به حفظ میراث فرهنگی کمک می‌کند، بلکه گامی مؤثر در جهت تحقق شهر آسانی، هویت‌مند و زنده است.

## رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان: زنگان با کمبود ۷۰ واحد آموزشی مواجه است

**سبزه میدان** - رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنگان گفت: زنگان با کمبود ۷۰ واحد آموزشی مواجه است که شامل حدود ۸۰۰ کلاس درس می‌شود، یعنی ۷۰ مدرسه و فضای آموزشی در شهر که‌های اقماری در زنگان مورد نیاز است.

به گزارش ایسنا، احمد خدادوردی اظهار کرد: کمبود فضای آموزش در استان محسوس است و قانون فعلی می‌تواند به کاهش این کمبود کمک کند.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنگان افزود: ما پروژه‌ها را اولویت‌بندی نمی‌کنیم تا فعالان اقتصادی خودشان پروژه‌هایی را که علاقه‌مند هستند انتخاب کنند. در صورت انتخاب یک پروژه، منابع مالی آن از لیست دیگر پروژه‌ها آزاد می‌شود. برای مثال اگر یک مدرسه روستایی ساخته شود، منابع برای اجرای یک راه روستایی آزاد خواهد شد.

احمد خدادوردی با تأکید بر مشارکت فعالان اقتصادی در حوزه‌های آموزش، بهداشت، ورزش و تولید، ادامه داد: اگر فعالان اقتصادی یکی از پروژه‌ها را انتخاب کنند، می‌توانند با سهم ۲۵ تا ۳۰ درصدی نیز به عنوان خیر شناخته شوند. در پروژه‌هایی مانند ساخت مدرسه، مرکز بهداشت، فرهنگسرا، کتابخانه یا فضای ورزشی، امکان ثبت به نام خیرین وجود دارد و دولت ادعایی نسبت به مالکیت ندارد.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنگان با اشاره به وضعیت مجتمع فرهنگی ورزشی عسکلباهر، گفت: این مجتمع سال‌ها است به حالت منخروبه رها شده و اگر برای آن ۲۰۰ میلیارد تومان هزینه شود، می‌تواند برای کل شهرستان و برای ده‌ها سال فضای ورزشی مناسبی برای کودکان و شهروندان فراهم کند.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنگان با اشاره بر ضرورت تصمیم‌گیری درست، خاطر نشان کرد: هم‌دلی و همراهی جمعی و همه‌جانبه برای توسعه‌ی زیرساخت‌های آموزشی، بهداشتی و ورزشی استان مورد تأکید و انتظار است.

بارهایش آمده که یک پیشنهاد از سوی فیلمبردارم درباری زاویه‌ی دوربین، یا یک حس اضافه شده توسط بازیگر در یک صحنه، یا حتی نظری از سوی دستیارم درباری ریتم یک سکانس، کیفیت کار را به مراتب بهتر کرده است. در «یا حبه قند»، آن فضای گرم و صمیمی خانواده که در فیلم می‌بینید، بخش مهمی‌اش حاصل همین همدلی و مشارکت بازیگران و عوامل در جان بخشیدن به صحنه‌ها بود. آن‌ها فقط دیالوگ نمی‌گفتند بلکه با تمام وجود آن لحظات را زندگی می‌کردند و ایده‌هایی برای طبیعی‌تر شدن روابط ارائه می‌دادند. گاهی یک نگاه بیرونی، حتی از کسی که تخصص فنی چندانی ندارد اما شهود خوبی دارد می‌تواند گره‌گشا باشد. معتقدم هر کس از زاویه‌ی دید خودش می‌تواند چیزی به‌اثر اضافه کند که شاید از چشم من دور مانده باشد. این جان و جهان سینماست که با هم افزایی معنا پیدا می‌کند.

**از آنجایی که هنر اصلی سینما نشان دادن است تا گفتن، کما اینکه در شعر و احتمالاً در هنرهای دیگر نیز همین است، یعنی اساس کار، شوینگ است تا تلینگ، با چنین رویکردی به نظر می‌رسد اصل نشان دادن است تا پافشاری بر روی اصل گفتن. امری که به نظر می‌رسد در سیرورت سینما به‌مرور به حاشیه رفته و سینمای امروز از دیالوگ‌های پر و پیوسته، به‌ریز می‌کند. گویا می‌خواهد با نیروی تصویر مفهوم خویش را به بیننده منتقل کند و البته کهن‌روی تصویر بر ابهامات زبانی مستولی می‌شود، با این حساب دیالوگ چه قدر از بار سنگین سینما را می‌تواند بر دوش بکشد. لطفاً بیشتر برای ما بگوئید. کاملاً با شما موافقم که جوهر سینما در «نشان دادن» است. تصویر، زبان اصلی سینماست و قدرت انتقال مفاهیم و احساسات از طریق تصویر، بسیار فراتر از کلام است. سینما در ذات خود هنری بصری است و بهترین لحظات سینمایی آن‌هایی هستند که بدون نیاز به کلام، معناراً منتقل می‌کنند. در فیلم ما، همیشه تلاشم این بوده که تا حد امکان از دیالوگ‌های توضیحی و پرگو پرریز کتم و اجازه دهم تصویر، بازی‌ها، سکوت‌ها و فضا سازی، بار معنایی را به دوش بکشد.**

اما این به معنای نفی کامل دیالوگ نیست. دیالوگ‌هاگر هوشمندانه، به‌جا و در خلعت شخصیت‌پردازی و پیشبرد داستان باشد، می‌تواند عنصری بسیار قدرتمند و ضروری باشد. دیالوگ خوب، دیالوگی است که از دل موقعیت و شخصیت بیرون بیاید، نه اینکه صرفاً اطلاعاتی را به تماشاگر منتقل کند یا حرف‌های قلمبه سلمبه بزند. گاهی یک جمله‌ی کوتاه، یک کلمه، یا حتی یک لحن خاص در گفتار، می‌تواند دنیایی از ناگفته‌ها را بیان کند. به‌نظرم چالش اصلی، یافتن تعادل درست بین تصویر و کلام است. در فیلم «دختر» بسیاری از احساسات و تنش‌های بین پدر و دختر، نه از طریق دیالوگ‌های طولانی، بلکه از طریق نگاه‌ها، سکوت‌ها و کنش‌های‌شان منتقل می‌شود. با این حال، دیالوگ‌های کوتاهی هم که بین آن‌ها رد و بدل می‌شود، نقش مهمی در برجسته کردن شکاف نسلی و عدم درک متقابل‌شان دارد. پس دیالوگ خوب، باری بر دوش سینما نیست، بلکه می‌تواند باری برای پرواز آن باشد به شرطی که در جای درست و به اندازه‌ی درست به کار گرفته شود و زیر سایه‌ی قدرت تصویر قرار نگیرد.

**صدا و آمیانس محیط و موسیقی چه سهمی در فیلم دارند؟**  
صدا شاید به اندازه‌ی تصویر، در ساختن جهان یک فیلم اهمیت دارد. متأسفانه گاهی به صدا، به خصوص صدای محیط و آمیانس، کمتر از آنچه شایسته‌اش است توجه می‌شود. صدای محیط، نه تنها به واقع‌گرایی صحنه کمک می‌کند، بلکه می‌تواند حس و حال و اتمسفر خاصی را ایجاد کند. صدای باد در یک دشت خالی، همه‌می‌ی یک بازار شلوغ، یا سکوت وهم‌آلود یک



## گاهی حقیقت در یک لبخند ساده است

### بهترین فیلم‌ام را هنوز نساخته‌ام

خانه قدیمی، هر کدام می‌توانند به اندازه‌ی یک قاب تصویر گو یا باشند و تأثیر عمیقی بر تجربه‌ی تماشاگر بگذارند. در فیلم «اینجا چراغی روشن است»، صدای طبیعت، صدای حیوانات و سکوت کوهستان، جزئی جدایی‌ناپذیر از شخصیت اصلی و جهان فیلم بود. موسیقی نیز جایگاه ویژه‌ی خود را دارد. من طرفدار استفاده‌ی حقالقی و هوشمندانه از موسیقی هستم. موسیقی نباید احساسات را به تماشاگر دیکته کند یا ضعف‌های فیلم‌نامه و کارگردانی را بپوشاند. بهترین موسیقی فیلم، آن است که با تار و پود اثر عجیب‌شود، پشگلی نامحسوس به عمق احساسی صحنه‌ها لیاقت‌یاد و به تماشاگر کمک کند تا با شخصیت‌ها و موقعیت‌ها ارتباط عمیق‌تری برقرار کند. این البته در ارتباط مستقیم با لحن روایی و فرم ساختاری هر فیلم شکل می‌گیرد. استفاده موثر و توأم با تأکید در فیلم «خیلی دور خیلی نزدیک» یکی از عوامل اصلی غنا بخشی به محتوای اثر است. و گاهی حتی سکوت، گویاترین موسیقی است مثل «به همین سادگی». یا در یک فرمت مبتنی‌مال، مثلاً «امروز» سعی کردم از موسیقی به عنوان یک عنصر دراماتیک ظرف استفاده کنم که بیشتر در خدمت فضا سازی و تأکید بر حالات درونی شخصیت‌ها باشد. تا اینکه بخواهد به شکلی اغراق‌آمیز احساسات را برانگیزد. در نهایت، صدا، آمیانس و موسیقی، لایه‌هایی هستند که به جهان فیلم عمق و بافت می‌بخشند و بدون آن‌ها، اثر ناقص خواهد بود.

**آقای میر کریمی سینما منهای سینما تو گرافی چه چیزی برای عرضه دارد؟ آیا می‌شود گفت سینما تو گرافی همان تجلی بیان دقیق سینمایی و به نوعی شعریت سینماست که به قدرت استعاره ایمان داشته و به عبارتی بمبی از انرژی فشرده را در دل تصویر متفجر می‌کند تا پیام خود را به شکل شاعرانه‌ای بیان کند و بدون آن، سینما، هنری عقیم و عاری از خلاقیت است؟ ما یلم در این باره به صورت مسوط برای ما توضیح بدهید که چه چیزی سینما را سینمای خلاق می‌کند؟**

در پروسه‌ی تبدیل آن به عینیت و وجه بصری، دچار ضعف و کاستی می‌شود یا دلایل دیگری وجود دارد، اگر با چنین چیزی موافقت آن را متکی به چه دلایلی می‌دانید؟

این یک چالش همیشگی در اقتباس‌های سینمایی از آثار ادبی است. به نظرم دلایل متعددی برای این پدیده وجود دارد. اول اینکه، وقتی ما یک رمان یا داستان را می‌خوانیم، ذهن ما به‌طور فعال درگیر تصویرسازی می‌شود. ما شخصیت‌ها، فضاها و اتفاقات را بر اساس تخیل و تجربه‌ی زیسته‌ی خودمان می‌سازیم. این یک تجربه‌ی بسیار شخصی و منحصر به فرد است. اما وقتی همان داستان به فیلم تبدیل می‌شود، ما با تصاویر از پیش ساخته شده و تفسیر کارگردان از آن جهان روبرو می‌شویم که ممکن است با تصاویر ذهنی ما همخوانی نداشته باشد. این می‌تواند منجر به نوعی سرخوردگی شود.

دوم اینکه، زبان ادبیات و زبان سینما با هم متفاوتند. ادبیات از کلمات برای ساختن جهان و انتقال احساسات استفاده می‌کند و فضای بیشتری برای توصیفات دقیق، واکاوی‌های درونی شخصیت‌ها و جریان سیال ذهن دارد. سینما اما باید این‌ها را به تصویر ترجمه کند که گاهی اوقات بسیار دشوار و حتی ناممکن است. بسیاری از ظرایف و پیچیدگی‌های یک رمان، در فرآیند فشرده‌سازی و بصری‌سازی برای سینما دست می‌رود.

سوم اینکه، موفقیت یک اثر ادبی لزوماً به معنای پتانسیل سینمایی بالای آن نیست. برخی داستان‌ها ذاتاً برای مدیوم ادبیات مناسب‌ترند. البته این به معنای آن نیست که اقتباس خوب غیر ممکن است. تاریخ سینما پر از اقتباس‌های درخشان است. اما یک اقتباس موفق، صرفاً بازسازی وفادارانه‌ی داستان اصلی نیست، بلکه خلق یک اثر هنری جدید و مستقل است که با زبان و ابزارهای سینما، روح و جوهر اثر ادبی را منتقل می‌کند. شاید فیلم «آبادبادک‌باز» نمونه‌ست این ترجمه‌ی سینمایی را به بهترین شکل انجام دهد یا با تصاویر ذهنی مخاطبان پر شمار کتاب ارتباط عمیقی برقرار کند. گاهی هم شهرت بیش از حد یک کتاب، انتظارات را آن‌قدر بالا می‌برد که هر گونه اقتباسی در مقایسه با آن، ضعیف به نظر می‌رسد. در نهایت، هر اقتباس یک ریسک است و موفقیت آن به عوامل متعددی از جمله درک عمیق کارگردان از هر دو مدیوم بستگی دارد.

**از آنجایی که بحث اندیشه و قصه‌گویی از عناصر مهم سینماست و علی‌رغم اینکه سینمای ایران در بخش کارگردانی و بازیگری موفق بوده و فیلم‌سازان و حتی فیلمبرداران خوبی هم داریم ولی خروجی نهایی آن، عمدتاً چیزی نیست که بخواهد تبدیل به شاهکار شود، به نظر می‌رسد سینمای ما با اندیشه قطع رابطه کرده است. نگاه تازه به جهان و دنیای هستی ندارد، به عبارتی فیلم‌سازان ما بیشتر تکنسین سینما هستند تا اندیشه‌ورز و چیزی که سینما را می‌سازد بن‌مایه‌ی فکری، فلسفی و اندیشه‌ی سینمایی است. به عنوان مثال هگل با دیدن فلسفی نوعی دیدن سینمایی را به چرخ خلعت رسانی به جهان تبدیل کرد. شما اساساً چنین چیزی را می‌پذیرید و اگر موافق چنین نگاهی هستید چه رهیافتی برای برون‌رفت از این مسئله دارید؟**

شما اساساً چنین چیزی را می‌پذیرید و اگر موافق چنین نگاهی هستید چه رهیافتی برای برون‌رفت از این مسئله دارید؟

این گزاره که «سینمای ما با اندیشه قطع رابطه کرده است» موافقم، چون هنوز هم فیلم‌سازانی هستند که دغدغه‌های فکری و فلسفی دارند و تلاش می‌کنند در آثارشان به مسائل عمیق‌تری بپردازند. اما قبول دارم که یک جریان غالب در سینمای ما، شاید بیشتر به سمت سرگرمی صرف یا بازنمایی‌های سطحی از واقعیت حرکت کرده و گاهی از عمق اندیشه و نگاه تازه به جهان هستی فاصله گرفته‌است.

اما در سرچشمه (صفحه ۴)



## مدیر کل راه و شهرسازی استان خبر داد: آمادہ‌سازی زمین‌های لیل آباد زنگان برای احداث مسکن ملی

**سبزه میدان** - مدیر کل راه و شهرسازی استان زنگان گفت: طی تفاهم‌نامه منعقد شده بین اداره کل راه و شهرسازی استان زنگان و موسسه مسکن و عمران اجتماعی بسیج، عملیات آمادہ‌سازی زمین‌های لیل آباد (کوی ارم) آغاز می‌شود

به گزارش ایسنا، سعید شاهین‌فر از امضای تفاهم‌نامه آمادہ‌سازی پروژه کوی ارم (لیل آباد) زنگان با موسسه مسکن و عمران اجتماعی بسیج خبر داد و اظهار کرد: طی تفاهم‌نامه منعقد شده بین این اداره کل و موسسه مسکن و عمران اجتماعی بسیج و با استقرار ماشین‌آلات این موسسه، عملیات آمادہ‌سازی زمین‌های لیل آباد (کوی ارم) آغاز می‌شود.

مدیر کل راه و شهرسازی استان زنگان با بیان اینکه از ۲۷ هزار و ۶۳ واحد مسکونی حمایتی که برای استان زنگان تعیین شده بود، اجرای بیش از ۲۰ هزار واحد مسکونی آغاز شده است، تأکید کرد: متوسط پیشرفت فیزیکی این تعداد واحد بیش از ۸۰ درصد است.

**سه هزار و ۱۴۶ داوطلب در آزمون ورود به حرفه مهندسان زنگان شرکت کردند**

مدیر کل راه و شهرسازی استان زنگان گفت: سه هزار و ۱۴۶ داوطلب از استان در آزمون ورود به حرفه مهندسان هم‌زمان با سراسر کشور شرکت کردند.

سعید شاهین‌فر روز جمعه در بازدید مسعود بیات‌منش معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار زنگان از نحوه برگزاری آزمون ورود به حرفه مهندسان در محل دانشگاه زنگان، افزود: این تعداد داوطلب در هفت رشته مهندسی رقابت کردند.

مدیر کل راه و شهرسازی استان زنگان، رشته‌های مهندسی را شامل معماری، عمران، تاسیسات برقی و مکانیکی، شهرسازی، نقشه‌برداری و ترافیک و آزمون‌های صلاحیت (طرح و اجرای گردویی و سازه‌نگهبان)، صلاحیت (ازوبلی، طرح و اجرای بهسازی) و ۶ رشته‌ی کاردانی و معماران تجربی ذکر کرد.

**۲۷۰۰ داوطلب در آزمون مهندسی ساختمان زنگان شرکت می‌کنند**

مدیر کل راه و شهرسازی استان زنگان گفت: در این دوره، آزمون کارشناسی ماده ۲۷ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان نیز برگزار شد.

وی خاطر نشان کرد: این آزمون در اجرائی مواد پنج، ۱۱ و ۲۱ آیین‌نامه اجرائی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان برگزار شد که شرکت کنندگان در صورت کسب حد نصاب لازم به این حرفه ورود پیدا می‌کنند. آزمون ورود به حرفه مهندسان کاردان‌های فنی ساختمان و معماران تجربی در زنگان طی روزهای هشتم و نهم خرداد هم‌زمان با سراسر کشور برگزار گردید.

## مشکل حمل و نقل درون‌شهری زنگان با ورود دادستان حل شد



**سبزه میدان** - دادستان عمومی و انقلاب مرکز زنگان گفت: با ورود مدعی‌العموم و با صدور دستور موقت، مشکل حمل و نقل شهری زنگان با بازگشت ۱۵ دستگاه ون به چرخ خلعت رسانی حل شد.

به گزارش روابط عمومی دادگستری زنگان، بهروز عباسی شامگاه پنجشنبه با اعلام این خبر، افزود: جندی پیش با توجه به مشکلات پیش آمده، دستگاه ون شهرداری زنگان توسط پلیس راهنمایی و رانندگی به‌موجب قانون توقیف شده بود.

وی اضافه کرد: با توجه به گلایه مندی‌ها و مشکلات پیش آمده برای اقشار مختلف شهروندان و با توجه به درخواست‌های مکرر مردمی مبنی بر کمبود خودروی ون برای جابه‌جایی شهروندان دستور موقت رفع توقیف خودروها با مساعدت و همکاری و هم افزایی پلیس راهنمایی و رانندگی صادر شد.

عباسی افزود: در این دستور قضایی با تأکید بر رعایت تمام و کمال مقررات راهنمایی و رانندگی و کدگذاری آنان از سوی مرجع مربوطه، مقرر شده به صورت موقت از این خودروها رفع توقیف به عمل آید تا درخواست‌های مردمی، اجابت و مشکلات شهری در حوزه‌ی حمل و نقل مرتفع شود.

وی خاطر نشان کرد: در مدت رفع توقیف این خودروها مقرر شد شهرداری با پیگیری‌های مستمر موانع پیش آمده را حل کند تا به صورت دائم این ۱۵ دستگاه خودرو که روزانه وظیفه جابه‌جایی حداقل قریب به هزار و ۵۰۰ نفر را بر عهده دارد بر طرف شود.





## نمایشگاه و جشنواره اقوام ایرانی بر گزار شد

**سرچشمه**-نمایشگاه و جشنواره اقوام ایرانی با حضور مسئولاناستانی درسایت دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی استان زنجان آغاز به کار کرد.

این نمایشگاه از چهارم خردادماه تا نهم خردادماه همه روزه در سایت دائمی نمایشگاه‌های بین المللی استان زنجان دایر بوددر نمایشگاه و جشنواره اقوام ایرانی ۹۶ غرفه از ۱۲ استان شامل استان زنجان، گیلان، همدان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، قزوین، اردبیل، کردستان، گلستان، کرمان، کرمانشاه و اصفهان حضور داشتند.
نمایشگاه اقوام ایرانی با هدف پاسداشت تنوع فرهنگی، توتیت‌هویت ملی و معرفی ظرفیت‌های بومی برگزار شد. این رویداد، با رویکردی فرهنگی، هنری اقتصادی، زمینه ساز تعامل میان اقوام، رشد و گردشگری و حمایت از تولیدات محلی است.این نمایشگاه با هدف معرفی فرهنگ، هنر و آیین های اقوام ایرانی و نمایش زنده جلوه‌های سنتی، حفظ و احیای میراث فرهنگی ناملموس با تاکید بر انتقال به نسل آینده، تقویت همبستگی ملی از مسیر نمایش وحتد در عین تنوع فرهنگی و حمایت از صنایع دستی، تولیدات بومی وایجادبستر فروش مستقیم است.از دیگر اهداف برگزاری این نمایشگاه می توان به توسعه گردشگری ر فرهنگی از طریق معرفی ظرفیت‌های محلی کمتر شناخته شده، افزایش آگاهی فرهنگی نسل جوان بلبهره گیری از برنامه های آموزشی و نمایشی، ایجاد فرصت های شغلی و کارآفرینی برای هنرمندان و فعالان بومی و گسترش تعامل و تبادل فرهنگی میان اقوام سراسر کشور اشاره کرد.

## تسهیلات برای پروژه های محیط زیستی

**سرچشمه**-مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان زنجانبا حضور در صندوق ملی محیط زیست کشور، با مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره صندوق ملی محیط زیست دیدار و در خصوص نحوه استفاده از ظرفیت این صندوق جهت بهبود وضعیت محیط زیست استان بااعطای تسهیلات به پروژه های محیط زیستی صنایع و معادن استان، گفتگو کرد.
در این دیدار امیر ارسلان مهاجر طهرانی مدیرعامل و حسن پسندیده رئیس هیئت مدیره صندوق ملی محیط زیست، آمادگی این صندوق جهت حمایت از پروژه های محیط زیستی صنایع و معادن استان را اعلام و همچنین مقرر گردید راهکارهای نحوه استفاده از ظرفیت این صندوق جهت بهبود وضعیت محیط زیست در حوزه های محیط زیست انسانی و طبیعی و تنوع زیستی استان طی نشست مشترکی باحضور مدیران و کارشناسان صندوق ملی محیط زیست و مدیران ومسئولان دستگاههای دولتی و واحدهای صنعتی و معدنی در زنجان بررسی شود

## بیش از ۳۰ هزار بیمار دیالیزی تحت پوشش انجمن کلیوی ایران هستند

**سرچشمه**-رئیس هیات مدیره انجمن خیریه حمایت از بیماران کلیوی ایران گفت:در حال حاضر در سراسر کشور، ذقاتر و نمایندگی های انجمن خیریه کلیوی فعال است و بیش از ۳۰ هزار بیمار دیالیزی تحت پوشش آنها هستند.
به گزارش ایرنا، عبدالحمید کشاورز روز پنجشنبه در بازدید از فعالیت های انجمن خیریه کلیوی استان زنجان ضمن قدردانی از تلاش های مدیران، خیرین و همکاران این انجمن، تأکید کرد: حمایت‌های مردمی نقش کلیدی در توسعه خدمات درمانی و پیشگیری از این بیماری ایفا می‌کنندوی اظهار داشت: در این بازدید، خدمات ارائه شده توسط انجمن مورد ارزیابی قرار گرفت و عملکرد آن مثبت ارزیابی شد.
کشاورز تأکید کرد: با حمایت گسترده‌تر خیرین، امکان گسترش خدمات برای بیماران نیازمند فراهم خواهد شد، تا این انجمن بتواند نقش مؤثرتری در ارائه خدمات درمانی و حمایتی ایفا کندوی به‌فعالیت‌های انجمن خیریه کلیوی در استان زنجان، اشاره کرد و گفت: تلاش‌های صورت گرفته در حوزه درمان و پیشگیری، نشان دهنده تعهد بالای مدیران و همکاران در ارائه خدمات به بیماران کلیوی است.رئیس هیات مدیره انجمن خیریه حمایت از بیماران کلیوی ایران تأکید کرد: حمایت خیرین، بخش مهمی از توسعه این خدمات محسوب می‌شود و با تقویت این همکاری‌ها می‌توان دامنه خدمات را افزایش داد و بیماران بیشتری را تحت پوشش قرار دادوی بااشاره به چالش‌های بیماران پیوندی از جمله کمبود دارو و مشکلات مربوط به مراقبت‌های پس از عمل، خواستار اقدام جدی مسئولان وزارت بهداشت در زمینه تأمین داروهای مورد نیاز شد.

رئیس هیات مدیره انجمن خیریه حمایت از بیماران کلیوی ایران خاطر نشان کرد: خوشبختانه اقدامات آموزشی و پیشگیرانه تأثیر مطلوبی بر کاهش این روند داشته است که بر ضرورت تغییر سبک زندگی و تلاش متولیان فرهنگی و بهداشتی برای کاهش موارد ابتلا به بیماری تأکید می‌شود.

اینکه فیلمسازان مابیشتر تک‌نسین باشند تا اندیشه‌ورز، یک آسیب جدی است. سینمادیون پستوانه‌ی فکری و فلسفی به‌پوسته‌ای بی‌مغز تبدیل می‌شود. به قول مشهوری، اندیشه است که به سینما جهت می‌دهد. به آن عمق می‌بخشد و آن را از یک سرگرمی زودگذر به یک تجربه‌ی ماندگار تبدیل می‌کند.

**نیروی قدرت خیلی تمایلی ندارد هنر سینما رونوشتی از واقعیات برادر به عبارتی در پی تبدیل سینما به قوی‌ترین مفسر دنیای غیر واقعی است تا با نزدیک نمودن آن به واقعیت پیام مخصوص خود را به مخاطب برساند، در چنین وضعیتی فیلم‌سازان متفکر و حقیقت‌جو چه وظیفه‌ای دارند؟**

این یک‌جالش تاریخی و همیشگی برای هنرمندان در سراسر جهان بوده است. قدرت، به طور طبیعی، تمایل دارد روایتی از واقعیت را ارائه دهد که منافع و ایذلولوژی او را تأیید و تقویت کند. سینما به عنوان یک رسانه‌ی قدرتمند و تأثیر گذار اگر بخواهد آینه‌ی تمام‌نمای واقعیت‌های جامعه باشد، ممکن است با این تمایل قدرت به چالش بر خیزد. وظیفه‌ی فیلمساز متفکر و حقیقت‌جو در چنین شرایطی، بسیار حساس و خطیر است. به‌نظم اولین وظیفه، حفظ استقلال فکری و هنری است. فیلمساز نباید به ابزاری برای تبلیغ یا توجیه سیاست‌های خاص تبدیل شود. وظیفه‌ی دوم، تلاش برای نزدیک شدن به حقیقت، آنگونه که خود آن را درک می‌کند. حتی اگر این حقیقت تلخ یا ناخوشایند باشد. این به معنای سیاه‌نمایی نیست بلکه به‌معنای نگاهی صادقانه‌یودیون روتوش به پیچیدگی های انسانی و اجتماعی است. فیلمساز می‌تواند این کار را از طرق مختلف انجام دهد. گاهی با روایت داستان‌های انسانی و فردی که در بستر مشکلات اجتماعی بزرگ‌تری قرار دارند، می‌تواند به شکلی غیر مستقیم به نقاشی‌ریبط‌بزرگ‌دانشخصیت‌هایی که در فیلم‌های من مثل «زیر نور ماه» یا «قصر شیرین» می‌بینیدانقلب بهعضلات اخلاقی و اجتماعی دست و پنجه‌نرم می‌کنند که بازتابی از واقعیت‌های جامعه‌است. گاهی با استفاده از استعاره و نماد، می‌توان حرف‌هایی را زد که به صراحت قابل بیان نیستند. مهم این است که فیلمساز، وجدان بیدار جامعه باشد و از مسئولیت اجتماعی خود شانه خالی نکند. این کار البته نیازمند شجاعت، هوشمندی و درک عمیق از شرایط است. باید راهی برای بیان حقیقت پیدا کرد که هم تأثیر گذار باشد و هم امکان ادامه‌ی فعالیت را از فیلمساز سلب نکند. این یک بندبازی ظریف و دشوار است.

**آقای میر کریمی، سینما برای اعتلای خود از ظرفیت تمامی هنر‌ها بهره می‌برد، از زمان و شعر و موسیقی و نقاشی و عکاسی و تئاتر تا فلسفه و هر ادبیات خلاقانه‌ی دیگری، در چنین وضعیتی سینما چه قدر می‌تواند مستغنی و موثر واقع شود؟ همچنین سینما چه متاعی برای عرضه به هنرهای دیگر دارد، آیا می‌تواند خود را در یک تعامل چندسویه تعریف کند یا نه صرفاً در پی کامجویی از هنر و ادبیات است؟ سینما ذاتاً هنری تلفیقی و چندوجهی است. همان‌طور که**

اشاره کردید از ادبیات برای قصه‌گویی، از نقاشی و عکاسی برای ترکیب‌بندی و نورپردازی، از تئاتر برای بازیگری و فضاسازی، از موسیقی برای ایجاد حس و ریتم، و حتی از فلسفه و علوم اجتماعی برای عمق بخشیدن به محتوا بهره می‌برد. این توانایی در جذب و تلفیق عناصر هنرهای دیگر، یکی از نقاط قوت بزرگ سینماست و به آن امکان می‌دهد تا به زبانی جامع و تأثیر گذار با مخاطب ارتباط برقرار کند. این وام‌گیری، نه تنها سینما را مستغنی و غنی می‌کند، بلکه به آن اجازه می‌دهد تا به تجربیات پیچیدگی انسانی از زوایای مختلف نزدیک شود.

اما این رابطه یک‌سویه نیست. سینما نیز متاثر از دشمنندی برای عرضه به هنرهای دیگر دارد. سینما با قدرت بصری و روایی خود، می‌تواند الهام‌بخش نویسندگان، نقاشان، موسیقی‌دانان و حتی فیلسوفان باشد. یک فیلم می‌تواند ایده‌ای نو را در ذهن یک رمان‌نویس بکارد، یا یک تصویر سینمایی می‌تواند دستمایه‌ی خلق یک تابلوی نقاشی شود. سینما با به تصویر کشیدن مفاهیم انتزاعی و با بازآفرینی دوران‌های تاریخی، می‌تواند به درک بهتر ما از ادبیات و تاریخ کمک کند.

به‌نظم سینما در یک تعامل چندسویه و پویا با سایر هنر‌ها و علوم انسانی تعریف می‌شود. این یک رابطه‌ی دیالکتیکی است که در آن، هر یک از طرفین، دیگری را تغذیه و غنی می‌کند. سینما صرفاً کام‌جو و مصرف‌کننده‌ی هنر و ادبیات نیست، بلکه خود یک نیروی خلاق و مولد است که می‌تواند بر سایر حوزه‌های فرهنگی و هنری تأثیر بگذارد و افق‌های جدیدی را پیش روی آن‌ها بگشاید. قدرت سینما در روایت‌گری و ایجاد همذات‌پنداری، آن را به ابزاری بی‌بدیل برای انتقال تجربیات و ایده‌ها تبدیل کرده است که می‌تواند در خدمت سایر هنر‌ها نیز قرار گیرد.

**از میان ده فیلمی که تا به امروز ساخته‌اید، کدام یک را بیشتر می‌پسندید؟**
بله، پروژه‌ی «فرش ایرانی» یک تجربه‌ی بسیار جذاب و منحصر به فرد بود. ایده‌ی اولیه‌ی این پروژه از سوی هنری تأثیر بگذارد و افق‌های جدیدی را پیش روی آن‌ها بگشاید. قدرت سینما در روایت‌گری و ایجاد همذات‌پنداری، آن را به ابزاری بی‌بدیل برای انتقال تجربیات و ایده‌ها تبدیل کرده است که می‌تواند در خدمت سایر هنر‌ها نیز قرار گیرد.

دوست دارد اهر کدام از فیلم‌هایم در زمان خودشان و با شرایط خاص خودشان ساخته شده‌اند. و هر یک برایم عزیز و یادآور تجربه‌ها و چالش‌های منحصر به فردی هستند. هر فیلم، بخشی از وجود من و دغدغه‌های آن دوران مراد خود دارد. اما اگر بخواهم کمی تأمل کنم، شاید فیلم‌هایی که احساس می‌کنم توانسته‌ام در آن‌ها به یک‌زبان شخصی‌تر و بیان‌سینمایی خالص‌تری دست پیدا کنم، یا فیلم‌هایی که ارتباط عمیق‌تری با مخاطبان خاصی برقرار کرده‌اند، برایم جایگاه ویژه‌تری داشته باشند. مثلاً «یه حبه قند» به دلیل فضای ایرانی و روابط انسانی گرمی که سعی کردم در آن به تصویر بکشم و همچنین استقبال خوبی که از سوی مردم با آن مواجه شد. برایم بسیار خاطر‌انگیز است. از طرفی، فیلمی مثل «قصر شیرین» به‌دلیل تمرکز بر شخصیت‌پردازی پیچیده و بازی‌های درخشان، تجربه‌ی بسیار لذت‌بخشی در کارگردانی برایم بود. «زیر نور ماه» هم به عنوان یکی از اولین تجربه‌های جدی‌ترم، همیشه برایم عزیز است چون جسارت و صداقتی در آن بود که دوستش دارم. اما در نهایت، هر فیلمی که ساخته‌ام، قدمی در مسیر یادگیری و تجربه‌اندوژی من بوده است. خودم فکر می‌کنم بهترین فیلم‌ام را هنوز نساخته‌ام و احتمالاً ایده‌اش در گوشه‌ای از ذهنم منتظر فرصتی برای دیده شدن است.

**سینما متاع ارزشمندی برای عرضه به هنرهای دیگر دارد. این هنر با قدرت بصری و روایی خود، می‌تواند الهام‌بخش نویسندگان، نقاشان، موسیقی‌دانان و حتی فیلسوفان باشد. یک فیلم می‌تواند ایده‌ای نو را در ذهن یک رمان‌نویس بکارد، یا یک تصویر سینمایی می‌تواند دستمایه‌ی خلق یک تابلوی نقاشی شود. سینما با به تصویر کشیدن مفاهیم انتزاعی و با بازآفرینی دوران‌های تاریخی، می‌تواند به درک بهتر ما از ادبیات و تاریخ کمک کند.**

**دیگر کریمی شما با فیلم‌های تان جوازیز متعددی را به دست آورده‌اید ولی به نظر می‌رسد آن رویداد بزرگ که شما در پی آئید هنوز رخ نداده و شما «طعم گیلان» خود را هنوز نچشیده‌اید. فکر می‌کنید کی این فرصت و موقعیت را می‌توانید بسازید؟ چه تمهیداتی برای آن رخداد بزرگ لازم است و ما چه قدر می‌توانیم به آن روز بزرگ امیدوار باشیم؟**

اینکه چه زمانی چنین فرصتی دست می‌دهد، در دستان من نه‌تئانیست. سینما، هنری است که به‌عوامل متعددی وابسته است. از آن جرقه‌ی اولیه و قصه‌ی نابی که باید به سراغت بیاید، تا امکانات ساخت، فضای فرهنگی و اجتماعی و حتی سیاست‌های ادواری داخلی و بین‌المللی، گاهی مسیر یک اثر را به کلی تغییر می‌دهد. من از مسیری نشأت گرفته بودم، دو دیگر اینکه چه قدر در معرفی این هنر کهن و صنایع دستی که بخشی از میراث فرهنگی تاریخی ما محسوب می‌شود در جهان توفیق یافت و خود شما کدام زاویه‌ی دید و اثر کدام کارگردان را بیشتر از همه دوست دارید؟

بله، پروژه‌ی «فرش ایرانی» یک تجربه‌ی بسیار جذاب و منحصر به فرد بود. ایده‌ی اولیه‌ی این پروژه از سوی



# گاهی حقیقت در یک لبخند ساده است

## بهترین فیلم‌ام را هنوز نساخته‌ام



مرکز ملی فرش ایران مطرح شد و هدف اصلی آن، معرفی هنر بی‌بدیل فرش ایرانی از دریچه‌ی نگاه سینماگران مختلف و با رویکردهای متنوع بود. فرش ایرانی نه تنها یک کالای هنری و صنعتی است، بلکه حامل فرهنگ، تاریخ، اسطوره و هویت ایرانی است و این پروژه تلاشی بود برای به تصویر کشیدن این وجوه گوناگون. اینکه هر کارگردان، با سبک و نگاه خاص خودش، به گوشه‌ای از این دنیای پر نقش و نگار می‌پرداخت، جذابیت اصلی این تجربه‌ی اپیزودیک بود.

در مورد میزان توفیق آن در معرفی این هنر کهن در جهان، باید بگویم که اینگونه پروژه‌ها معمولاً تأثیرات تدریجی و بلندمدت دارند. نمایش این فیلم‌ها در جشنواره‌های مختلف و محافل فرهنگی، قطعاً به آشنایی بیشتر مخاطبان جهانی با عمق و غنای هنر فرش ایرانی کمک کرده است. اما شاید مهم‌تر از آن، ایجاد یک آرشیو بصری ارزشمند از نگاه هنرمندان به این میراث فرهنگی بود که می‌تواند برای نسل‌های آینده نیز مورد استفاده قرار گیرد.

انتخاب یک اثر خاص از میان کارهای همکاران عزیزم در آن پروژه بسیار دشوار است، چرا که هر کدام از زاویه‌ای بدیع و با خلاقیتی ستودنی به موضوع پرداخته بودند. برخی نگاهی مستندگونه پژوهشی داشتند. برخی دیگر روایتی داستانی و شاعرانه را برگزیده بودند. و برخی نیز به جنبه‌های عرفانی و اسطوره‌ای فرش پرداخته بودند. اما اگر بخواهم از احساس شخصی‌ام بگویم، اپیزودهایی که توانسته بودند پیوندی عمیق میان انسان بافته‌اند و آن اثر هنری جان‌دار برقرار کنند. و رنج و عشق و امید بافته شده در تار و پود فرش را به تصویر بکشند، برایم تأثیر گذاتر بودند. آن نگاه‌هایی که فرش را نه فقط یک شی، بلکه روای داستان زندگی‌ها و آرزوهای دیدند. به‌نظر من زیبایی کار گروهی در همین تنوع نگاه‌ها و نکثر خلاقیت‌هاست که در نهایت یک کل غنی و چندلایه را می‌سازد.

**جناب میر کریمی شما با فیلم‌های تان جوازیز متعددی را به دست آورده‌اید ولی به نظر می‌رسد آن رویداد بزرگ که شما در پی آئید هنوز رخ نداده و شما «طعم گیلان» خود را هنوز نچشیده‌اید. فکر می‌کنید کی این فرصت و موقعیت را می‌توانید بسازید؟ چه تمهیداتی برای آن رخداد بزرگ لازم است و ما چه قدر می‌توانیم به آن روز بزرگ امیدوار باشیم؟**
اینکه چه زمانی چنین فرصتی دست می‌دهد، در دستان من نه‌تئانیست. سینما، هنری است که به‌عوامل متعددی وابسته است. از آن جرقه‌ی اولیه و قصه‌ی نابی که باید به سراغت بیاید، تا امکانات ساخت، فضای فرهنگی و اجتماعی و حتی سیاست‌های ادواری داخلی و بین‌المللی، گاهی مسیر یک اثر را به کلی تغییر می‌دهد. من از مسیری نشأت گرفته بودم، دو دیگر اینکه چه قدر در معرفی این هنر کهن و صنایع دستی که بخشی از میراث فرهنگی تاریخی ما محسوب می‌شود در جهان توفیق یافت و خود شما کدام زاویه‌ی دید و اثر کدام کارگردان را بیشتر از همه دوست دارید؟

بله، پروژه‌ی «فرش ایرانی» یک تجربه‌ی بسیار جذاب و منحصر به فرد بود. ایده‌ی اولیه‌ی این پروژه از سوی

# موج‌پیدازی



## کمبود فضاهای تفریحی در شهر زنجان

**سرچشمه**-یکی از مهم‌ترین دلایل تمرکز جمعیت در جاده‌های منتهی به طارم، کمبود فضاهای تفریحی و سبز در شهر زنجان است. با وجود اینکه زنجان شهری با قدمت تاریخی و فرهنگی غنی است، مدیران شهری در طول سال‌های اخیر نتوانسته‌اند فضاهایی برای تفریح و استراحت شهروندان ایجاد کنند.

پارک‌های قدیمی مانند پارک ملت، که در گذشته به عنوان یکی از مراکز تجمع مردم شناخته می‌شد، به دلیل سوءمدیریت و عدم برنامه‌ریزی صحیح، تنها بخشی از ظرفیت خود را حفظ کرده‌اند.

گاوازنگه، که یکی از نقاط طبیعی و دیدنی شهر زنجان بوده به دلیل نبود سیاست‌های توسعه‌ای و همچنین خلاء مدیریتی ناشی از سقوط سازمان همیاری شهرداری‌های استان، به‌حال خود رها شده و حتی درختان و چمن‌های آن نیز خشک شده‌اند. این موضوع نه تنها نشان‌دهنده بی‌توجهی به محیط زیست است، بلکه بیانگر عدم توجه به نیازهای اجتماعی و فرهنگی شهروندان نیز هست

پارک گلستان نیز با وجود تغییرات نسبی، هنوز نتوانسته است به عنوان یک فضای عمومی کاربردی و جذاب برای شهروندان عمل کند. خانه بوران، یکی دیگر از نقاط دیدنی جنوب شهر، به کلی فراموش شده و هیچ برنامه‌ای برای توسعه آن ارائه نشده است. این وضعیت، جمعیت نیم‌میلیونی شهر زنجان را به سمت طبیعت و مناطق دورافتاده سوق می‌دهد. بدون اینکه گزرنه‌های مناسبی در داخل شهر برای آن‌ها وجود داشته باشد.

### ترافیک و مشکلات زیرساختی

مشکل دوم، مربوط به زیرساخت‌های حمل و نقل است. جاده زنجان-طارم و جاده زنجان-بناب-منجیل، که از مسیرهای اصلی دسترسی به طبیعت و شمال کشور هستند، در روزهای تعطیل و پیک ترافیکی به شدت شلوغ می‌شوند. این شلوغی نه تنها نشان‌دهنده نیاز شدید مردم به طبیعت است، بلکه بیانگر ضعف در توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل نیز هست.

مطالعات قدیمی و ناقص برای این جاده‌ها، همراه با عدم تخصصی‌بودجه کافی برای توسعه و نگهداری، باعث شده است که این مسیر هائ نتواند به‌صورت مؤثر به عنوان راه‌های اصلی ارتباطی عمل کند. افزایش حجم ترافیک و نبود استانداردهای لازم در طراحی و اجرای این جاده‌ها، نه تنها باعث کاهش راحتی سفر می‌شود، بلکه احتمال وقوع حوادث و تصادفات را نیز افزایش می‌دهد.

### طبیعت دوستی مردم زنجان

یکی از جنبه‌های قابل تأمل در این مسئله، تمایل شدید مردم زنجان به گذراندن اوقات فراغت در طبیعت است. این موضوع نشان‌دهنده آگاهی و علاقه شهروندان به محیط زیست و طبیعت است. اما این علاقه، به دلیل نبود فضاهای مناسب در داخل شهر، به‌شکلی غیر قابل کنترل شده است که این مسیر هائ نتواند به‌صورت مؤثر به عنوان افزایش فشار بر منابع طبیعی می‌شود، بلکه می‌تواند به آسیب‌های زیست‌محیطی نیز منجر شود.

در این شرایط، مدیران شهری باید به دنبال ایجاد فضاهای سبز و تفریحی در داخل شهر باشند که بتوانند نیازهای شهروندان را برطرف کنند. ایجاد پارک‌های جدید، توسعه فضاهای عمومی و طراحی برنامه‌هایی برای حفظ و نگهداری از مناطق طبیعی موجود، می‌تواند به کاهش فشار بر مناطق دورافتاده کمک کند.

### نیاز به برنامه‌ریزی بلندمدت

تحلیل این وضعیت نشان می‌دهد که نیاز به یک برنامه‌ریزی بلندمدت و همه‌جانبه برای توسعه شهری و زیرساخت‌های حمل و نقل در استان زنجان بیش از پیش احساس می‌شود. مدیران شهری باید به دنبال ایجاد تعادل بین نیازهای شهروندان و حفظ محیط زیست باشند. این کار نه تنها به بهبود کیفیت زندگی شهروندان کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به جذب گردشگر و افزایش درآمدهای اقتصادی منطقه نیز منجر شود.

علاوه بر این، تقویت زیرساخت‌های حمل و نقل و ایجاد جاده‌های جدید با بهبود جاده‌های موجود، می‌تواند به کاهش ترافیک و افزایش ایمنی در سفرها کمک کند. این اقدامات نه تنها برای شهروندان زنجان، بلکه برای گردشگران و مسافرانی که از این مسیرها برای دسترسی به شمال کشور استفاده می‌کنند نیز اهمیت دارد. وضعیت فعلی فضاهای تفریحی و زیرساخت‌های حمل و نقل در استان زنجان، نشان‌دهنده ضعف‌های ساختاری در مدیریت شهری و برنامه‌ریزی منطقه‌ای است. نبود فضاهای مناسب در داخل شهر، مشکلات زیرساختی جاده‌ها و تمایل شدید مردم به طبیعت، همگی نشان‌دهنده نیاز به اقدامات فوری و مؤثر هستند. مدیران شهری باید با توجه به نیازهای شهروندان و حفظ محیط‌زیست، برنامه‌هایی بلندمدت و مستقیم برای حل این مشکلات تدوین کنند. در غیر این صورت، این وضعیت نه تنها کیفیت زندگی شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه می‌تواند به آسیب‌های زیست‌محیطی و اقتصادی نیز منجر شود.





سر نوشت غم‌بار مطبوعات در ایران



نگاهی به شماره‌های به‌جامانده از روزنامه «کاغذ اخبار» به روشنی نشان دهندهی وضعیت استبدادی ایران در دوره‌ی قاجار است.

«کاغذ‌اخبار» نخستین روزنامه‌ی فارسی است که در ایران و توسط دربار منتشر شد و همین موضوع باعث شده بود که روزنامه در راستای منافع قدرت قرار بگیرد. «کاغذ اخبار» روزنامه‌ی دولتی و فاصله‌ی انتشارش ماهیانه بود و برخی پژوهشگران نوشته‌اند که مجموع سطور آن با عنوان مقالات ۲۱۷ سطر بوده است.

مهدی محسنیان‌زاد در کتاب «سازشمناسی» که توسط انتشارات سمت منتشر شده، می‌گوید حیات مطبوعات در ایران، در مقایسه با همسازان خود در سایر کشورهای جهان تقریباً غنچه‌زاترین سرنوشت را داشته است. او با اشاره به انتشار «کاغذ اخبار» می‌گوید که ماروزنامه‌نگاری را در بهنگام و بی‌آنکه اطلاعی از الگوهای مرسوم جهانی داشته باشیم شروع کردیم. او درباره‌ی آغاز دیر هنگام انتشار روزنامه در ایران و تبعات آن نوشته: «این دیر شروع کردن عواقب داشت؛ مشابه عواقب تأخیر کودکان در زبان‌آموزی. زبان‌آموزی در نوزاد انسان از سنی خاص آغاز می‌شود. اگر کودکی در آن سن به هر دلیل از ارتباط با دیگران محروم شود، در بزرگسالی برای زبان‌آموزی با مشکلات جدی و گاه‌فوق‌ناشدنی مواجه خواهد شد. این بلایی است که در کار روزنامه‌نگاری بر سر ما آمده است. ماحیلی دیر شروع کردیم. ۲۳۳ سال دیر تر از اولین کشور دارنده‌ی روزنامه. آن هم به اراده‌ی ملوکانه و آن‌گونه که حاکم وقت (محمدشاه قاجار) فرمودند به منظور تربیت مردم، نه آگاهی مردم.»

«کاغذ اخبار» توسط یکی از اولین دانشجویان اعزامی برای تحصیل به اروپا با نام میرزا صالح شیرازی در دوران محمدشاه قاجار منتشر شد. او پس از بازگشت به ایران، فردی را برای آموختن صنعت چاپ سنگی به روسیه اعزام کرد و نخستین دستگاه چاپ‌سنگی نیز توسط همین فرد به ایران آورده شد و «کاغذ اخبار» با همان ماشین منتشر شد. «کاغذ اخبار» به سباق روزنامه‌های انگلیسی قبل از آن که شروع به انتشار کند با چاپ اطلاعاتی‌های در رمضان ۱۲۵۲ قمری (نوامبر ۱۸۳۶ میلادی) خیر انتشارش را داد. این اطلاعاتی به «طلیعه» نام داشت و نکته‌ای در آن وجود دارد که به اعتقاد محسنیان‌زاد همچنان مسئله‌ی اصلی همان نکته است. در بخشی از طلیعه «کاغذ اخبار» آمده بود: «بر رای صواب‌نامی ساکنین ممالک محروسه مخفی نماناد که همت ملوکانه اولیای دولت علیه‌مصرف بر این گشته است که ساکنین ممالک محروسه تربیت شوند. او ادعا می‌کند که اعظم تربیت آگاه ساختن از کار جهان است لهذا به حسب حکم شاهنشاهی کاغذ اخباری مشتمل بر اخبار شرقیه و غربیه در دارالطباعه ثبت و به اطراف و اکناف فرستاده خواهد شد.»

نویسنده «سازشمناسی» با اشاره به اینکه هدف انتشار روزنامه‌ی «کاغذ اخبار» تربیت ملت عنوان شده بود نوشته: «جمله صحیحی که منطبق با ماهیت رسانه‌هایی چون روزنامه، مجله، رادیو و تلویزیون است، باید قبل از هر چیز آن باشد که ملت باید مطلع باشد. بازنویسی خلاصه‌شده این اعلامیه نشان می‌هد که شاه اراده فرموده‌اند که مردم ایران را تربیت کنند و معتقدند مهم‌ترین تربیت، آگاهی از اخبار جهان، از چین و ماجین تا یکنگه دنیا (آمریکا) است که به‌زودی هر ماه منتشر خواهد شد و بر همه مردم واجب است طبق مد روز زندگی کنند تا آسوده و راحت باشند.»

طلیعه «کاغذ اخبار» سندی است که نشان‌دهنده‌ی میزان ناآگاهی دربار قاجار از سازوکار و اهداف رسانه است. در این اطلاعاتیه همچنین به وضوح به فساد موجود در دربار اشاره شده و این نشان می‌دهد که این نه مسئله‌ای پنهان و پنهان‌بلکه امری کاملاً عادی بوده است. طلیعه «کاغذ اخبار» در دوبرگ منتشر شده بود و مشخص نیست که آیا طلیعه دیگری هم پس از آن منتشر شده بود یا نه.

بین انتشار طلیعه «کاغذ اخبار» با انتشار روزنامه فاصله‌ای سه ماهه وجود دارد. از دیگر موضوعات قابل توجه درباره‌ی نخستین روزنامه‌ی ایرانی این است که این روزنامه درواقع نامی نداشت و مسئولان آن با ترجمه تحت‌اللفظی لغت انگلیسی روزنامه آن را «کاغذ اخبار» نامیدند. در کتاب «سازشمناسی» اشاره شده که احتمالاً این روزنامه به صورت ماهانه به مدت سه سال منتشر شد. در آن دوره تولید دستی کاغذ در ایران به شکلی پراکنده انجام می‌شده است. برای مثال دکانداری در اصفهان به صورت دستی کاغذ تولید می‌کرده و هر ورق برگ را شش عباسی می‌فروخته است اما به احتمال زیاد کاغذ روزنامه «کاغذ اخبار» و سایر روزنامه‌های حکومتی دوره‌ی قاجار عمدتاً از روسیه و کمتر از اروپا تأمین می‌شده است.

«کوهنورد گام در راهی می‌نهد که مقصد آن بالندگی و راهی است»؛ کتاب «جست‌وجوی راهی در قله‌ها» (مدخلی بر جامعه‌شناسی کوهنوردی ایران) نوشته‌ی علیرضا اسکندریون و گلشید کریمان که به‌تازگی توسط انتشارات نگاه منتشر شده است، با این جمله به پایان می‌رسد. اما به‌واقع کوهنوردی یا اگر بهتر و دقیق‌تر بگوییم کوه‌پیمایی، جدال انسان با سنگ و صخره و ارتفاع، دارای چه ویژگی‌هایی است که می‌تواند راهی و بالندگی را در پی داشته باشد؟ آیا کوه‌پیمایی مثل کوهنوردی یا ورزش‌های دیگر یک رقابت ورزشی برای رسیدن به هدف و کسب قهرمانی و مدال و افتخار است یا کنشی اجتماعی است که در جریان آن ارزش‌های انسانی دیگری مبنی بر رفاقت و همدلی و مشارکت شکل می‌گیرد؟ کوه‌پیمایی چه نقشی در میان کنشگران اجتماعی و سیاسی و مبارزات چند دهه‌ی اخیر ایران داشته و چه نوع ارزش‌هایی را تکوین و تقویت کرده است و طی سال‌های اخیر این ارزش‌ها چه تغییراتی را از سر گذرانده‌اند؟ گروه‌های سیاسی پیش از انقلاب از این کنش اجتماعی برای خلق فضایی جدید در جهت اهداف سیاسی خود چگونه بهره‌برده‌اند و انسان‌های تربیت‌یافته در این مرام و مسلک دارای چه ویژگی‌های شخصیتی هستند؟ این‌ها پرسش‌هایی است که کتاب حاضر تلاش دارد از جریان بررسی جامعه‌شناسانه‌ی خاطرات و روایت کنشگران سیاسی قدیمی و فعالان گروه‌های سیاسی چپ به آن‌ها پاسخ دهد. نویسندگان کتاب در فصل اول نقیبی به گذشته‌ی می‌زند و با بیان جایگاه کوه در ساخت معابد و قلعه و دژهای مستحکم و همچنین متون کهن و ضرب‌المثل‌های فارسی و تاریخچه‌ی کوهنوردی در ایران، روایتی کوتاه از نخستین گروه‌های کوهنوردی و اولین فاتحان قله در ایران را شرح می‌دهند.

**نظر به‌برای تحلیل واقعبت**

فصل دوم کتاب با اتکا بر نظریات جامعه‌شناسی کارکردگرای امیل دورکیم، ساختارگرایی تالکوت پارسونز و فردیناند دوسوسور و لوی اشتراوس، نظریه کنش متقابل نمادی (تعالی‌گرایی هربرت بلومر و اروینگ گافمن و نظریه‌ی فمینیسم، نظر گاه هریک از آنان در مورد ورزش و به‌ویژه کوهنوردی را بیان می‌کند و در ادامه در فصل سوم نظریه‌ی بیگانگی مارکس را به‌عنوان چارچوب نظری خود بر می‌گزیند مدعی است کوه‌پیمایی، به‌مثابه‌ی یک کنش اجتماعی، معاینه‌بخش به‌زندگی فعالان سیاسی و اجتماعی ایران با کوهنوردی به‌شکل یک ورزش قهرمانی متفاوت است و در خلال آن ارزش‌های اجتماعی شکل می‌گیرد که در نهایت نفی بیگانگی انسان از انسان و انسان از طبیعت را نتیجه‌ی می‌دهد.

نویسندگان در این بخش با ارجاعات متعدد به آثار مارکس و دیگر مارکسیست‌های متأخر مانند ایستون مزاروش و ویوینر کلمنکا تلاش دارند ضمن تعریف و تشریح دقیق مفهوم بیگانگی در ابعاد مختلف آن یعنی بیگانگی انسان با فرایند تولید، با خود، با دیگرگی و با طبیعت نشان دهند این مفهوم یکی از ریشه‌های ناخرسندی انسان از زندگی خود است که موجب دلزدگی، افسردگی، انزوا، تنهایی و بسیاری از آلام روانی و اجتماعی دیگری می‌شود.

همبستگی به‌معنای همدلی و پیوند با دیگر انسان‌های هم‌هدف و هم‌آرزو برای نفی بیگانگی و تلاش برای ساختن جهانی معنادار در کنار آن‌ها از جمله راهکارهای بشر برای برون‌رفت از وضعیت تباه و تیره و تاری است که نظام طبقاتی در شکل نظام سرمایه‌داری برای انسان رقم زده است و آنچه در کوه‌پیمایی رقیقانه رخ می‌دهد با تمام جزئیات آن از جمله روش‌های مقابله با این بیگانگی است که وحدت و یگانگی انسان‌ها و همبستگی با طبیعت را در پی دارد.

**از خلق فضای اجتماعی تا تغییر سیاسی**

نویسندگان کتاب در فصل چهارم که مفصل‌ترین و اصلی‌ترین بخش کتاب است، با تحلیل جامعه‌شناختی خاطرات پیشکسوتان گروه‌های

کوهنوردی که کنشگران اجتماعی و سیاسی

دوران خودنیز هستند کوشش دارند نشان دهند

کوهنوردی مدنظر آنان نه فقط با ورزش قهرمانی

که در پی مدال و رتبه و رقابت است فرق دارد،

بلکه سبک زندگی و کنش اجتماعی است که با

تقدم رفاقت و جمع‌گرایی و مشارکت بر رقابت

و فردگرایی، ارزش‌های نوین انسانی را خلق

می‌کند؛ ارزش‌هایی که در برهه‌هایی از زمان،

با اهداف و آمال گروه‌های سیاسی چپ هم‌سو

و هم‌جهت شد و از این‌روست که کوهنوردی

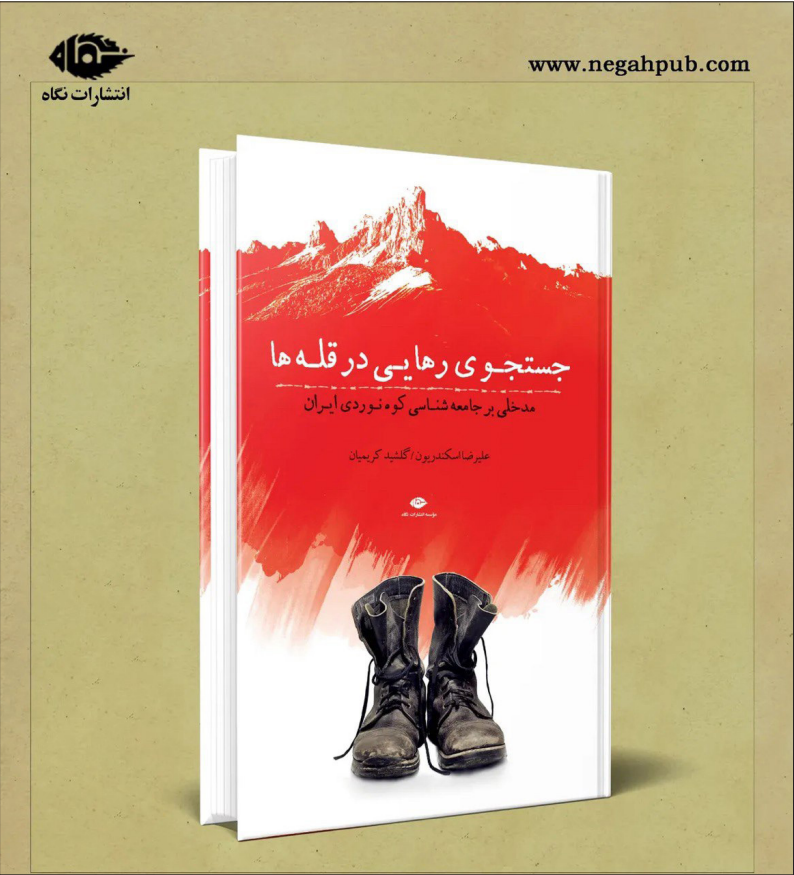
همواره جایگاه ویژه‌ای در میان این گروه‌ها

داشته است.

پیش از انقلاب، کوهنوردی به‌مثابه ورزشی ارزان

قیمت در مقایسه با دیگر ورزش‌ها و کوه‌به‌عنوان

مکلی دوز دست‌رستر کنترل دست‌گامینتی وسواکی



نگاهی به کتاب «جستجوی راهایی در قله‌ها:

مدخلی بر جامعه‌شناسی کوهنوردی ایران»

# کوهنوردی؛ ورزشی بی‌تماشاچی یا کنشی اجتماعی سیاسی

خسرو صادقی بروجنی

محملی شد که کارکرد آن چیزی فراتر از سرگرمی و طبیعت‌گردی به‌شمار می‌رفت. بر خلاف دوران کنونی که با ظهور رشته‌های دوجرخمی کوهستان، دوی کوهستان و سنگ‌نوردی، کوه عرصه‌ی تاخت‌وتاز، رقابت‌و نمایش برندهای ورزشی و تجهیزات لوکس و گران‌قیمت شده‌است، در آن دوره «کوه عرصه‌ی مبارزه و ملاحظه‌بود» و جایی برای خودسازی انقلابی و تقویت هم‌کاری و تعاون.

فصل چهارم، داستان مردان و زنانی است که در همکاری دوطبقه‌انه و برابر با یکدیگر، دست در دست هم با کمترین امکانات «اتاق کوه» را در دانشگاه‌ها سامان دادند و وسایل کوهنوردی را به صورت جمعی تولید و خریداری کردند تا به‌طور عمومی از آن‌ها استفاده کنند. نسلی که کوهنوردی برایش نوعی کنش اجتماعی بود در جهت خلق فضای جدیدی که نیل به راهی و بالندگی راهمور می‌کرد.

کریم انتظاری از جمله کسانی است که در خلق این فضای جدید نقش داشته است و در مصاحبه با نویسندگان کتاب هدف همه‌ی گروه‌های سیاسی کوهنوردی را این‌گونه موشکافانه و بدون شرح می‌دهد: «مشکل کردن همه‌ی هواداران در قالب آن، جذب نیروی بیشتر به سازمان متبوع خویش، تشکیل یک مجموعه‌ی متشکل سازمانی برای مبارزه با رژیم، ایجاد روحیه و شور انقلابی در هواداران، سازماندهی و شناخت هواداران با زندگی در دل کوه و جنگل برای ایجاد و بازتولید مقاومت در آنان، ایجاد و تقویت روحیه‌ی جمعی و تعاون و کمک‌به هم‌نوع در شرایط سخت مثل جیره‌بندی غذا و آب در کوه و جنگل، ایجاد اتحاد و همدلی و گذشت از خود برای نجات رفیق همراه، تبعیت از لیدر و راهنمای کوه که عموماً رهبر تنوریک و تشکیلاتی گروه بود برای ایجاد ساتن‌الیسم دو موکراتیک، بر‌گزاری برنامه‌مدون سیاسی و کلاس‌های تنوریک جمعی دور از انظار نیروهای

پیش‌تر شرح داده شد دارای چه تفاوت‌های ماهوی است و چرا کنش کوه‌پیمایی مانند گذشته کمتر خالتی فضای اجتماعی جدیدی برای تغییرات سیاسی است. اگر تادریوز یک نفر تمام خریدهای صبحانه و ناهار را انجام می‌داد و همه‌ی اعضای گروه بر سر سفره‌های جمعی و مشترک می‌نشستند، امروز «هرکس برای خودش و نهایتاً دو یا سه نفری از دوستانش، غذا می‌آورد.» کوهنوردان سفر سفره‌های جدا می‌نشینند و غذای می‌خورند، فقط گاه یک تعارف مختصری به هم می‌کنند.» یابرخلاف گذشته که باهم دوست می‌شدند و دوست می‌ماندند. این روزها «عمولاً اول برنامه، در ماشین باهم آشنایی شوند و بعد که برنامه تمام می‌شود می‌گویند خاحافظ.»

**نقادی به‌جای نقالی**

کوهنوردی دسته‌جمعی فعالان سیاسی قدیمی، به‌ویژه کنشگران چپ از جمله فعالیت‌های قابل تحلیل و بررسی است که تاکنون در اثر مدونی زوایا، زمینه‌های شکل‌گیری و آثار اجتماعی آن تحلیل نشده‌بود. علیرضا اسکندریون و گلشید کریمان مانند کتاب پیشین خود («کمون زندان»، نشر گ‌آدین، ۱۳۹۷) این بار نیز با نگارش کتاب «جست‌وجوی راهی در قله‌ها» نشان دادند که نگاهی به خاطرات مبارزان سیاسی از منظری منفعلانه و نقلانه نیست، بلکه با بهره‌گیری از کاربست درست و به‌جای نظریات جامعه‌شناسی تلاش دارند به تحلیل و نقد علمی و موشکافانه‌ی این بخش از تاریخ معاصر ایران بپردازند.

کتاب در عین حال که روایت تشکیلات، سازماندهی، دقت، برنامه‌ریزی، وقت‌شناسی، مشارکت، تعاون و خودناگبختگی جمعی از مبارزان سیاسی است، هم‌زمان این پرسش اساسی را پیش‌روی ما قرار می‌دهد که مکان و روابط اجتماعی جاری در آن تا چه حد می‌تواند بر شخصیت و هویت کنشگران و عوامل آن اجتماعی‌اش تأثیر گذار باشد. همچنان که با جای‌گزینی کافه به‌جای کوه، دسته‌ی دیگری از مناسبات اجتماعی میان روشنفکران ادبی و مبارزان سیاسی صورت‌بندی شد و مقایسه‌ی این دو سبک و منش زندگی براساس مکان، خودمی‌تواند موضوع پژوهش مستقلی باشد.

«جست‌وجوی راهی در قله‌ها» (مدخلی بر جامعه‌شناسی کوهنوردی ایران) توانسته به آنچه ادعایش را دارد تا سطح قابل توجهی برسد و در مجموع به‌اثری سازنده و مفید در مطالعات تاریخی و سیاسی ایران معاصر تبدیل شود. اما، برغم موارد مثبت و بدیع کتاب که از آن ثری درخور توجه و بررسی می‌سازد، متن کتاب می‌توانست در برخی پاراگراف‌ها و جملات از روانی بیشتری برخوردار باشد که انتظار می‌رود در چاپ‌های بعدی و با ویرایش مجدد اصلاح شود. همچنین در صفحه‌ی ۲۵۳ کتاب آمده است: «هر لحظه با این رمان هم‌زادپنداری می‌کردم»

که به‌منظر نویسنندگان احتمالاً اصطلاح روان‌کاوانه «همذات‌پنداری» (Identification) به‌معنای تأثیر‌پذیری یکسان و مشابه از اثر، واقعه یا رخ‌آدای بخصوص و همملی با آن است که به‌اشتباه «هم‌زادپنداری» ذکر شده است که به‌معنای قرار گرفتن در شرایط محیطی یکسان با شخصی دیگر است.

به عبارتی آن‌چه با آن می‌توان همذات‌پنداری کرد شخصیت رمان است و نه خود رمان. از سوی دیگر با توجه به اینکه متن کتاب حاوی مصاحبه‌ی نویسندگان با چهره‌های مختلفی از کنشگران سیاسی و اجتماعی قدیمی و پیشکسوتان کوه‌پیمایی دسته‌جمعی و همچنین اشاره به پناهگاه‌ها و سازه‌های کوهستانی که توسط این جمع‌ها ساخته شده است، بهتر بود در پایان کتاب تصاویری از این افراد و مکان‌ها منتشر می‌شد تا مخاطب بهتر بتواند با آن‌ها ارتباط برقرار کند.

مطلب را با شعری به پایان می‌برم که وقتی بچه بودم در یک کتاب شعر نو قدیمی در کتابخانه‌ی پدرم خواندم. شعر «تکاپو» از عباس سمرادی که هنوز به خاطر م‌مانده و همواره در هر صعود بر لب‌نم جاری است:

زندگی کوهی‌ست

قله‌ی این کوه را تسخیر نتوان کرد

ما همه آن کوه‌پیمایان مشتاقیم

لیکن ای افسوس!

راه‌ناهموار را تدبیر نتوان کرد!

راه‌پرییچ وجم این کوه را کمتر کسی داند

ای بسا ره‌رو که در این پییچ و خم‌ها گم شد،

از ره ماند

خیرگی را بین که ما را در چه راهی پیش

می‌رند!

در دل این کوه جادار د هزاران چشمه‌ی سرشار

لیک ما از تشنه‌کامی جان‌به‌لب‌داریم

بی‌خبر از چشمه‌ها با در‌هی دشوار و نا هموار!

لیک در این پییچ و خم‌ها

بی‌تکاپو هم نتوان ز نیست.



مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای زنجان:

**بهره‌وری انرژی**

**یکی از محورهای اصلی**

**توسعه پایدار است**

**مشروطه** -مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای زنجان گفت: عدم اجرای کامل برنامه‌های مدیریت مصرف می‌تواند به خاموشی‌های خودکار و قطعی‌های گسترده منجر شود. سیدپروانه برهانی روز چهارشنبه ۷ خرداد در همایش پنل تخصصی ناترازی انرژی برق در استان زنجان، اظهار کرد: موضوع بهره‌وری انرژی به ویژه در بخش برق یکی از محورهای اصلی توسعه پایدار در سطح ملی است. ناترازی تولید و مصرف دیگر یک هشدار فنی نیست بلکه اکنون به یک چالش و مسئله راهبردی با آثار مستقیم بر رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و تداوم تولید صنعتی و حتی کیفیت زندگی در استان‌ها تبدیل شده است.

وی ضمن تشریح چالش‌های فرابنده شبکه برق کشور و استان، عنوان کرد اقدامات فوری و مشارکت‌همه‌بخش‌ها برای مدیریت ناترازی تولید و مصرف برق ضروری است. افزایش متوسط دما در مقایسه با سال گذشته مستقیماً به افزایش تقاضای برق منجر شده است.

او با بیان اینکه کاهش چشمگیر تولید برق‌آبی از عوامل اصلی ناترازی فعلی است، تصریح کرد: متوسط ورودی آب به نیروگاه‌های برق‌آبی اصلی ۴۲ درصد کاهش یافته و این وضعیت بر توانایی تأمین اوج بار تأثیر مستقیم دارد. برهانی بر نقش صنایع پر مصرف در حل بحران برق تأکید کرد و گفت: با توجه به ماده ۴ قانون مانع‌زدایی از توسعه صنعت برق، صنایع موظفند تا پایان سال ۱۴۰۴ حداقل ۹ هزار مگاوات نیروگه حرارتی (با باردهی حداقل ۵۵ درصد) و ۱۰۰۰ مگاوات نیروگه تجدیدپذیر را با منابع داخلی خود احداث کنند. در صورت عدم احداث، تأمین برق این صنایع در شرایط کمبود، در اولویت مدیریت مصرف وزارت نیرو و قرار خواهد گرفت.

وی متذکر شد: وزارت نیرو از تأمین برق صنایعی که طبق این قانون عمل کنند پشتیبانی کرده و برق مازاد تولیدی آن‌ها قابلیت فروش در بورس انرژی یا از طریق قراردادهای دوجانبه را خواهد داشت. او به ماده ۲۶ قانون اصلاح الگوی مصرف اشاره و یادآور شد: طبق این قانون شرکت‌هایی که استانداردهای مصرف انرژی را رعایت نکنند، جریمه خواهند شد و وجوه حاصل از این جریمه‌ها به حساب خزانه کشور واریز شده و در راستای بهینه‌سازی بخش صنعت هزینه می‌شود

برهانی خاطر نشان کرد: استان علی‌رغم بر خورداری از زیرساخت‌های مناسب انتقال و فوق توزیع با ظرفیت منصوبه ۹۳۳۲ مگاوات آمپر، با کمبود قابل توجهی در ظرفیت تولید برق محلی روبرو است. ظرفیت منصوبه تولید برق در استان زنجان حدود ۱۰۹۰ مگاوات است و تقاضای پیش‌بینی شده برق برای استان زنجان در سال ۱۱۷۷،۱۴۰۴ مگاوات است که با وجود ناترازی انتظار می‌رود بیش از این مقلد باشد.

مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای استان زنجان متذکر شد: اگر زنجان راه عنوان یک سیستم جداگانه در نظر بگیریم، در سال جاری با کسری ۱۵ مگاواتی روبرو خواهیم بود که تا سال ۱۴۰۸ به ۲۹۰ مگاوات و تا سال ۱۴۱۳ به ۵۹۰ مگاوات خواهد رسید.

معاون هماهنگی برنامه و بودجه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنجان در ادامه می‌آیند: «انرژی در کنار نیروی کار و سرمایه در فرآیند تولید نقش حیاتی دارد، تشریح کرد: چالش‌های عمده‌ای در حوزه انرژی برق استان وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها شامل قیمت‌گذاری نامناسب برق و مصرف بالای صنایع انرژی‌بر است.

خلیل قاسملو ادامه داد: با وجود اینکه برق هزینه‌بر است، اما با قیمت بسیار ناچیزتری عرضه می‌شود. این اختلاف فاحش میان هزینه تولید و قیمت عرضه، یکی از دلایل اصلی تشدید ناترازی میان عرضه و تقاضای برق است. وی با بیان اینکه اگر در قیمت‌ها تجدید نظر کنیم، تا حد قابل توجهی فاصله میان عرضه و تقاضا کاهش پیدا می‌کند، تصریح کرد: اصلاح ساختار قیمت‌گذاری انرژی به‌عنوان یک اهم کنترل‌ری برای مدیریت مصرف و تشویق به بهره‌وری بسیار حائز اهمیت است. معاون سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنجان به موضوع لزوم عدم استقرار صنایع آب‌بر و مدیریت مصرف انرژی برق در استان زنجان نیز اشاره کرد و گفت: با استناد به آمارهای موجود، در زنجان صنایع بخش قابل توجهی در مصرف برق بی‌رویه را به خود اختصاص داده‌اند. این موضوع نشان‌دهنده تمرکز بالای صنایع انرژی‌بر در استان است که فشار زیادی بر منابع انرژی از جمله برق وارد می‌کند.

قاسملو ادامه داد: در بخش صنعت، سهم مصرف ما در استان ۶۴ تا ۶۸ درصد از کل مصرف استان است، در حالی‌که این رقم در سطح کشور حدود ۳۷ درصد است. صنایع ما به شدت انرژی‌بر هستند و علاوه بر انرژی برق، در منابع آب و خاک نیز مصرف بالایی دارند و به این منابع نیز فشار وارد می‌کنند. این وضعیت علاوه بر چالش‌های ناترازی برق، نگرانی‌هایی را درباره پایداری منابع طبیعی استان نیز ایجاد می‌کند.



## کدام نسخه از رباعیات خیام معتبر تر است؟

سینا جهان‌دیده



**تویخانه** چیزی به نام رباعیات اصیل خیام وجود ندارد. شاعری خیام یک قرن پس از مرگ این نابغه که گفتمان خیامیت به نام او برمی گردد، بر ساخته شده است. از قرن هفتم تا قرن نهم قرن به قرن به رباعیات خیام افزوده شده

است. بنابراین معنی رباعیات اصیل این است که کدام رباعی به عصر خیام نزدیکتر است نه اینکه کدام رباعی را خیام گفته است. جالب این است که حتی رباعیاتی وارد گفتمان خیامیت شده است که قدیمی‌تر از قرن‌هاست که خیام در آن قرن زیسته است. بنابراین از نظر تاریخی گفتمان خیامیت را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: پیشاخیامیت، خیامیت و پس‌اخیامیت.

صدای پیشاخیامیت را به راحتی می‌توان در شعر رودکی و فردوسی دید. قرن‌ها که خیام در آن زندگی می‌کند یعنی قرن‌های پنجم و ششم قرن سلطه‌ی گفتمان غزالی و برآمدن نظامیه‌ها در جهان اسلام است. صدای گفتمان غزالی در همه‌ی کتاب قرون شش و هفت کاملاً آشکار است. سعدی یکی از شاعرانی است که با گفتمان غزالی شعر می‌گوید. بنابراین خیامیت در تقابل با گفتمان غزالی است به همین دلیل تمام صداهای دهری، ضدتولولوژیک و اعتراضی به نام خیام زده شده است. در زمان حیات عمر خیام هیچ اندیشمندی قدرت اجتماعی او را ندانست حتی غزالی. اقتدار خیام در داستان‌های تمثیلی -استعاره‌ی که بولحسن بیهقی در تمهه‌صوان‌الحکمه آورده است- این مطلب را تأیید می‌کند. غزالی نمی‌توانست مستقیم‌به خیام حمله کند. تا جایی که داستانی ساختند که غزالی فلسفه‌را از خیام آموخته است. بازی دو سو به خواجه نظام الملک نشان می‌دهد که نه می‌توانست خیام را حذف کند و نه می‌توانست غزالی را فراموش کند. غزالی بنیادهای ایدئولوژیک خواجه نظام الملک را می‌ساخت و خیام یک منجم و ریاضیدان بزرگ بود. خیام یک دهری نبود. او آخرین فیلسوف سنیایی بود. و غزالی علیه تفکر سنیایی استدلال می‌کرد.

بنابراین در قرن هفتم است که هیولایی خیام علیه گفتمان مسلط ساخته می‌شود. کتاب نجم‌الدین رازی و قطعی نشانی می‌دهد که چگونگی نه‌این هیولا علیه گفتمان تولولوژیک بر ساخته شده است. بنابراین هرگز نمی‌توان نام عصر خیام را از رباعیات حذف کرد. با حذف این نام، کل این ساختار فرومی‌ریزد. این اشتباه را یک بار استاد محیط طباطبایی کرده است.

از قرن هفتم هویت بهمین وار خیام به مثابه‌ی فیلسوف معترض، دهری، انقلابی و بنیان‌فکن بار رباعیاتی شاعران معترض ساخته شد. خیام بریکولاز شاعران معترض ایران است. هویت بریکوزی خیام در قرن نهم متوقف نمی‌شود. بخششی از این هویت در غرب ساخته می‌شود. هویتی که می‌توان از آن به «خیام مدرن» یاد کرد. از قرن هفتم تا قرن نهم عده‌ای که کارشان ساختن سفینه و گزیده اشعار و آثار بود، سعی کردند رباعیات بیشتر به خیام منتسب کنند. زه‌المجلس خلیل‌شروانی مهم‌ترین کتابی است که نشان می‌دهد جستجوگران گفتمان خیامیت تنها خیامیان جهان مدرن نبوده‌اند. در قرن هشتم بین کسانی که از شعرهای شاعران سفینه‌می‌ساختند یک رقابت عجیب هم برقرار بود: پیدا کردن رباعیات بیشتر به سبک خیام. بنابراین خیامیت از همان آغاز می‌دانست که باید چون گفتمانی خود را بالا کشد.

جمع آوری رباعیات خیامی چنان مهم شد که در قرن نهم، که قرن تثبیت رباعیات خیام است، سفینه‌های مخصوص برای رباعیات خیام تهیه شود. کتاب طریخانه‌ی یاراحمد رشیدی نمونه‌ی آشکاری از این تلاش هاست.

در قرن نوزدهم یکی از همین نسخه‌های خالص رباعیات خیام به بریتانیا می‌رود. در زمانی که عصر، عصر داروین است. جالب است در همان سالی (۱۸۵۹) که داروین کتاب «منشأ انواع» را منتشر می‌کند، فیتزجرالد ترجمه‌ی آزاد و بر ساخته خود را به نام خیام انتشار می‌دهد. جهان غرب نیاز به آنتاگونیستی داشت که از شرق دینی آمده باشد؛ این است که خیام چون هیولایی برهم زنده وارد غرب می‌شود و جهان را فتح می‌کند. سئوالاتی که غرب می‌خواست طرح شود با انتزاع کردن رباعیات منسوب به خیام طرح کرد. بریتانیا و سپس آمریکا دانه‌ی خیام شدند. می‌کدها و باشگاه‌ها به نام خیام زدند. از کسی گفتند که در برابر مسیح است. به همین دلیل تردید اورشلیم یا نبشاور در آمریکا مطرح شد. شاعران بزرگ غرب در شگفت بودند که این شرقی از کجای آسمان طلوع کرده است. همه درگیر بودند از مارک تواین تا لیوت و از راپوند تا ایرلینان قرن بیستم تازه فهمیدند که خیام که بود اما آنچه دریافت شد خیام قرن هفت تا نه نبود بلکه خیام بر ساخته غرب بود. از اینجا به بعد نقش ادوارد براون، علامه قزوینی و سرانجام مینوی و هدایت پررنگ می‌شود... **ادامه در ستون کافه نادری**

## شاعری که راوی رنج زن معاصر است

جلسه‌ی نقد و بررسی کتاب شعر «درخت‌ها دیده‌اند» برگزار شد



بدم را خواهد برد

بدم را خواهد برد... بخششی از شعر ۳ صفحه‌ی ۱۲ این منتقد ادبی بابیان اینکه بی گمان روایت شاعر همواره بازاندیشی به سمت حرکت‌ها و وقایع اجتماعی است تا تاریخ هستی‌اش را به نمایش گذارد. اضافه کرد: فاطیما سباحتی پیام‌های شاعرانش را با شروع‌های غافلگیرکننده به کشف و شهودی از وصل شدن به طبیعت و انسان و گلرنگ‌های تاریخی منتقل می‌کند. زیرا شکل‌هایی از خیال‌انگیزی و یادآوری واقعیت‌ها با نوعی صورت‌بندی به صید تخیل و بازاندیشی از نگاه‌ها و صداهای دیگر آن‌سوی سکوی شاعرانگی و در پیچه‌هایی از زیستن و نگرشی دیگر را به مخاطبان خود یادآوری می‌کند:

«مزرعه‌ی گندم با صدای کمباین از خواب می‌پرد صدای جیرجیر کهای وراج خیالش را می‌پریشد در این هنگامه اما گل آفتاب گردان با جام خورشید تلو تلو می‌خورد

خیرام به آدم‌ها

که مدام

کوچک و کوچک تر می شوند

گل آفتابگردان

امروز

خطر از بیخ گوشات گذشت

ولی آیا فردا

آفتاب را خواهی دید... شعر ۶ ص ۱۸ شاعر در اینجا به جایگاه گل آفتابگردان صحنه گذاشته و با کشفی تازه، حیات و مخاطرات ناشی از حقیقت حیات آن‌ها را مزه‌مز می‌کند. این نویسنده و منتقد ادامه داد: در این مجموعه شاعر سعی دارد، در گذرگاه ادبیات، خاطره و با منظری عاطفی و نوعی حس‌آمیزی ثروت‌های خفته در سروده‌هایش را بیابد کند و نشان دادن نوعی آشنائز دایی در برابر واقعیت‌ها، از معرفتی انسانی آرزو مند هم را با دنیاهای تصویرگر ابرانه، نقشی تاریخی به شکلی به دوری نزدیک و نزدیک‌تر می‌کند، چرا که پدیده‌ها از منظر سروده‌ها، آمیزه‌ای از اضطراب و میل رسیدن آدمی به سرچشمه‌های خیال‌انگیزی نگار به دوباره دیدن درخت و آینه، واژه‌ها را صدا می‌کند. بنابراین آنچه در مجموعه «درخت‌ها دیده‌اند» از تاریکی‌ها به سمت روشنایی‌ها سفر ژرفی را به مخاطب طرح می‌کنند، شک حضور لحظه‌ها از شرایط پر و خالی می‌گردد:

...چشم‌هایم را می بندم

پروانه‌ها می‌پرند

و عقرب‌های ساعت

در یک قرار عاشقانه



جامی مانند

تو رفته‌ای!

و تمام صندلی‌ها

جای خالی توست

جای خالی

حرفی برای گفتن ندارد

و هر صندلی چوبی

ته‌ای از جنگل است

که در خاتمه‌ی زندانی است... بخششی از شعر ۷ صفحه ۱۲ معتقدی یادآور شد: شاعر در عرصه‌های گفتن سعی دارد از ریشه‌ها با حسی پرسشگرانه، جایگاه آدمی در پیوند با طبیعت و زیستن در زوایه‌های مختلف را یادآوری می‌کند.

«گل‌های پنهان

در کجای جهان ریشه دارد

که اینگونه سرخ می‌رقصد

تو پنجره‌ای

خط مرزی باریک

میان بوسه و لمس...»

سطرهایی از شعر ۲۲ صفحه ۲۷. شاعر در این چشم‌انداز دنیای یک پنجره را به پرسش می‌گیرد.

این شاعر و منتقد ادامه داد: محل یادآوری است که تجربه‌های شاعرانه همواره از هستی و حضور و دانش خاطره‌ها سخن می‌گوید. امید و ناامیدی به شیوه‌های گوناگونی از تمام فصل‌ها پر و خالی می‌شود زیرا جغرافیای گفتن و نگفتن شعبده‌های است که شکلی می‌آورد. چرا که روزهای زندگی و حادثه‌ها، همواره از جاده‌ای به جاده‌ای دیگر گرده عوض می‌کند. زیر اقطار روزگار، خواب خوش را طی می‌کنند. در این میان مثلث «شعر»، «شاعر» و «مخاطب» به گونه‌های آشکار و پنهان به یکدیگر می‌رسند و پیام اساسی شاعر به جست‌وجویی بانگ‌رش فرهنگی و ریشه‌های خاصی حکایت می‌کند

و نکته‌ای دیگر، فاطیما سباحتی جایگاهش شعری است که در فضای امروز و در این مجموعه از زمان و نگرش‌ها دست‌های ماندگاری را به میدان می‌کشد.

در ادامه‌ی این جلسه، حامد رحمتی با اشاره به ماهیت شعر زنانه، گفت: اگر به لحاظ تاریخی به این موضوع نگاه کنیم تا قبل از انقلاب مشروطه چیزی به عنوان شعر زنان نداشتیم. اصلاً زنان سواد خواندن و نوشتن نداشتند. ولی امروز می‌بینیم شعر هنری است که در دسترس همه است در صورتی که در گذشته شعر هنری بورژوازی بود و پدر و مادر باید آن قدر متمول می‌بودند تا بچه‌ها و خاتمه‌ها را می‌فرستادند به تحصیل و یا معلم سرخانه استخدام کنند تا بتوانند سواد خواندن و نوشتن را از او بیاموزند.

او افزود: تشکیلاتی در سال ۱۲۸۶ با عنوان انجمن آزادی‌بخش زنان شکل گرفت. زنان قبل از آن اعتماد به نفس اینکه در جمع صحبت کنند و یا اینکه در جمع فرهیختگان حاضر شوند را نداشتند. یعنی ما اگر این برهه از تاریخ را با انقلاب صنعتی و تحولاتی که در غرب اتفاق افتاد را بخواهیم بررسی در زمانی بکنیم می‌بینیم این تشکل باعث شد که شعر زنان شکل بگیرد. نواب‌مسیعی صدیق دولت آبادی دختران ناصرالدین شاه که در این جلسات حضور داشتند و تمرین می‌کردند که چطور در این جلسات بتوانند صحبت کنند و چطور در این جمع حاضر شوند و اعتماد به نفس خود را بالا ببرند. ما حاصل همین انجمن ظهور پروین اعتصامی بود که نزد دهخدا و بهار شعر را آموخت و شعر نوشت... **ادامه در صفحه ۸**

حضور لحظه‌ها از شرایط پر و خالی می‌گردد: «...چشم‌هایم را می بندم پروانه‌ها می‌پرند و عقرب‌های ساعت در یک قرار عاشقانه



## چالش کم‌آبی در زنجان و ضرورت مصرف بهینه

**تویخانه** -موضوع کاهش میزان و تغییر رژیم بارش‌ها، تنش آبی، فشار بر منابع زیرزمینی و تبعات ناشی از آن، خشکسالی‌های متوالی و بحران آب یکی از چالش‌ها و مسایل اولویت‌دار کشور و استان زنجان به خصوص در سال‌های اخیر بوده و برخی رفتارها به این معضل دامن زده است در حالی که می‌توان تنها با اصلاح این رفتارها تا ۲۰ درصد صرفه‌جویی کرد.

به گزارش ایرنا، در حالی که خشکسالی به دوره کم‌آبی گفته می‌شود که طی آن منقطع‌آبی با کمبود منابع و ذخایر آبی مواجه می‌شود اما کشورمان به دلیل تجربه خشکسالی‌های متوالی، در سال جاری با یکی از شدیدترین دوره‌های خشکسالی مواجه بوده که این امر همه مناطق کشور را به مرز بحران و هشدار رسانده است.

کاهش شدید میزان بارندگی هابخش‌های مختلف از جمله کشاورزی و محیط‌زیست را با مشکل مواجه کرده و علاوه بر آن تلاطم این وضعیت در حال حاضر تأمین آب شرب مناطق شهری و روستایی را نیز به چالش جدی کشانده است. آب یک منبع حیاتی است که هیچ جایگزینی ندارد و در حال حاضر کاهش بارندگی، افزایش دمای هوا و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آبی باعث کاهش سطح ذخایر

سدها و افت شدید آب‌های زیرزمینی در همه استان‌ها از جمله زنجان شده است. افت سالانه بیش از ۸۰ سانتیمتر از سطح آبهای زیرزمینی در استان به دلیل برداشت‌های نامتعرف و خشکسالی‌های پی‌درپی هم اکنون پنج دشت از هفت دشت این استان ممنوعه اعلام شده است و برداشت از آنها تنها در مواقع اضطراری و برای آب شرب به میزان محدودی انجام می‌شود.از همین رو باید قبل از رسیدن به مرحله سخت‌تر از جمله نیاز به جیره‌بندی آب و تحمل خسارات اقتصادی و اجتماعی بیشتر باید تدبیری برای حفظ منابع موجود داشت که بر این اساس راهکارهای مختلفی پیشنهاد و اعمال می‌شود که باید تمامی بخش‌ها از جمله صنعت، کشاورزی و خانگی مقید به انجام آن باشند و حساسیت‌های موجود را جدی بگیرند.

چالش کم‌آبی در زنجان و ضرورت مصرف بهینه

## ادامه‌ی یادداشت از ستون کافه فیروز

مینوی و هدایت فرصت را غنیمت می‌شمارند که خیام ناسیونالیست را مطرح کنند. ترانه‌های خیام هدایت یک تداوم ناسیونالیستی بود. محمدعلی فروغی راه میانه می‌رود و به عنوان یک سیاست‌مدار خیام منطقی را مطرح می‌کند. بنابراین در جواب این سؤال که کدام نسخه از خیام معتبر است باید چنین پاسخ داد: از یک نظر هیچ کدام از یک نظر نسخه‌ی فروغی، اما چرا هیچ کدام؟ برای اینکه خیام ساخته‌ی قرن بیستم با خیام قرن نهم متفاوت است. اگر می‌خواهید بدانید خیام چگونه در جهان پیشامدرن بازنمایی شده است نسخه‌ی طریخانه یاراحمد رشیدی را بخوانید. چون در این نسخه سلطه‌ی ناسیونالیسم و ماتریکالیسم و چون‌تلازم‌ها منظور که گفتم ترانه‌های خیام بر ساخته‌ی صادق هدایت نوعی تداوم ناسیونالیستی است. هدایت رباعیات زیادی را با چشم ایدئولوژی ناسیونالیستی حذف کرد. هدایت تحقیقات‌من نشان می‌دهد که خیام حداقل دو چهره دارد: خیامی که سئوالات دهری و اعتراضی می‌پردازد (شک خیامی) و خیامی که توبه می‌کند یا می‌خواهد او را به راه راست هدایت کند. هر دو نوع بر اساس گفتمان خیامیت است. بنابراین رباعیات غیراصیل، آنتی‌تُر رباعیات اصیل است. پس هر دو نوع از گفتمان خیامیت می‌گویند. رباعیات اصیل که رباعیات خود خیام باشد. وجود خارجی ندارد. محمدعلی فروغی سعی کرده است منصفانه‌تر بر خورد کند. بعد از فروغی رباعیات زیادی کشف شده است که به شکل درون‌ماندگار از گفتمان خیامیت می‌گویند. بنابراین نسخه فروغی باید اصلاح شود.

خیام پیشامدرن همان است که در نزه‌المجالس و مونس الاحرار بازنمایی شده است. اگر رباعیات مونس الاحرار با رباعیات نزه‌المجالس مقایسه کنید متوجه می‌شوید سیزده رباعی مونس الاحرار به شکل درون‌ماندگار از گفتمان خیامیت می‌گویند. همین‌دلیل تحقیقات جدید هر ۱۳ رباعی مونس الاحرار را رباعیات اصیل دانست. اما یک سؤال، سؤال مشترک خیامیت پیشامدرن و مدرن بود کدام رباعیات به شکل درون‌ماندگار از گفتمان خیامیت می‌گویند؟ این سؤال در واقع منطقی را می‌سازد تا بر سیم کدام رباعی اصیل است. رباعیات اصیل در این منطبق یعنی رباعیاتی که به شکل درون‌ماندگار از گفتمان خیامیت می‌گویند، نه اینکه کدام رباعی را خیام گفته است. اسناد تاریخی می‌توانند کمک کنند، اما چیزی که این سؤال را پاسخ می‌دهد هر منوتیک خیامیت است. بنابراین رباعیات غیراصیل، آنتی‌تُر رباعیات اصیل است. پس هر دو نوع از گفتمان خیامیت می‌گویند. رباعیات اصیل که رباعیات خود خیام باشد. وجود خارجی ندارد. محمدعلی فروغی سعی کرده است منصفانه‌تر برخورد کند. بعد از فروغی رباعیات زیادی کشف شده است که به شکل درون‌ماندگار از گفتمان خیامیت می‌گویند. بنابراین نسخه‌ی فروغی باید اصلاح شود.



## انجمن زنان پژوهشگر تاریخ‌دفتر زنجان

**تویخانه**-انجمن‌زنان‌پژوهشگر تاریخ‌دفتر‌زنجان‌درسال ۱۳۸۳ هم‌زمان‌با‌برگزاری‌دومین‌سمیناربین‌المللی‌انجمن زنان پژوهشگر تاریخ‌با‌عنوان «زن‌در تاریخ معاصر ایران» در دانشگاه زنجان‌به‌پیشنهاد‌مریم‌فتحی‌و موافقت‌هیئت‌مدیره انجمن در تهران و اخذ مجوزهای لازم، فعالیت خود را از سر گرفت.

با فراخوانی که صورت گرفت نزدیک به ۴۰ نفر از بانوان فرهنگی استان که اکثراً فارغ التحصیل تاریخ بودندبه انجمن پیوستند.باستقرار دفتر انجمن در فرهنگسرای امام خمینی در ابتدا و در اولین دوره‌ی فعالیت انجمن تمرکز اصلی بیشتر انجام جلسات سخنرانی و نقد کتاب بود. سخنرانی‌هایی که عمدتاً ماهانه بود، در موضوعات ذیل سخنرانی‌هایی صورت گرفت:

غایبان عرصه تاریخ/ دکتر عباس قدیمی قیداری استاد دانشگاه تبریز

جستارهایی در منبع شناسی تاریخ زنجان/حسن حسینی‌علی، پژوهشگر

بررسی پوشش زن در ایران باستان / زرین دخت کاظمی مدرس دانشگاه آزاد اهر

ازواج در ایران باستان با رویکردی به دوران معاصر/ فاطمه میر معزی جامعه‌شناس و مدرس دانشگاه

زمینه‌های حضور صفویه در تاریخ/ دکتر منیره کاظمی راشناسانادانشگاه آران‌دبشستر

بررسی علل وریشه‌های شکل گیری رشته مطالعات زنان / میترا تریایی پژوهشگر

فمینیسم و زن ایرانی/ مریم علیچایانیا ن مدرس دانشگاه فمینیسم وزن مسلمان/آرنام پیامدیر کل اموریانواستانداری

زنجان و مدرس دانشگاه شاخص‌های معرفت‌شناختی فمینیستی / دکتر فرشید جعفری استاد دانشگاه آزاد زنجان

سیمای زن در ادبیات از آغاز تا دوران معاصر/ حسن حسینی‌علی پژوهشگر

ریشه های قیام ۱۵ خرداد و رهبری امام خمینی/ دکتر موسی فقیه‌حقاتی، از موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران تاریخ نگری و تاریخ نگاری/ دکتر مجتبی بشردوست استاد دانشگاه زنجان

بررسی زندگی اجتماعی زن در عصر مغول / دکتر پرویز فتح الله پور استاد دانشگاه زنجان

هویت و تاریخ/ دکتر ذبیح الله صفدی استاد دانشگاه آزاد زنجان

جایگاه زن در انقلاب مشروطه/ مریم فتحی، مسئول انجمن در زنجان، پژوهشگر

مفهوم آزادی در شعر مشروطه / لیلیا قزو باغی، پژوهشگر اجرای طرح پژوهشی زن ایرانی و هویت تاریخی یا

همکاری دفتر امور بانوان استانداری زنجان درسال ۱۳۸۸، که با تکمیل نواقص آن اقدام به چاپ آن خواهد شد

مصاحبه با مرحوم میر تقی فصالی از اولین نویسندگان معاصر زنجان و نویسنده زمان طر لان در سال ۱۳۹۵

جلسات نقد کتاب شامل کتاب‌های:

باب و بایبگری در زنجان / فرشته انصاری

بامناداسلام / عبدالحسین زرین کوب

تاریخ ایران در زمان ساسانیان /آرتور کریستینسن
از افتخارات دیگر انجمن زنان پژوهشگر تاریخ دفتر زنجان حضور اعضای انجمن زنان پژوهشگر تاریخ در همایشی یک روزه با حضور و سخنرانی خانم دکتر منصوره تجادیه در زنجان در تابستان سال ۸۹ بود این همایش شامل برنامه‌های زیر بود.

جلسه هم‌اندیشی اعضای هیئت‌مدیره انجمن یا مسئول اعضای دفتر زنجان در فرهنگسرای امام خمینی
–سخنرانی خانم دکتر منصوره تجادیه با موضوع نگاهی به تاریخ اجتماعی دوره صفویه با تاکید بر آشنیزی در دوره صفویه بر اساس نسخه خطی منحصر بفرد
–تقدیر از دکتر تجادیه از طرف مدیر کل نهاد کتابخانه‌های عمومی استان زنجان
–بازدید از اماکن تاریخی زنجان

**دور دوم فعالیت‌های انجمن زنان پژوهشگر تاریخ دفتر زنجان**

با وجود یک دوره کوتاه رکود انجمن زنان پژوهشگر تاریخ (دفتر زنجان) از سال ۱۳۹۴ ضمن ترمیم اعضای خود و تشکیل هیئت‌مدیره‌ای جدید، فعالیت‌های خود را دوباره از سر گرفت و طی چندین جلسه هماهنگی برنامه های زیر را به هر مرحله اجرا گذاشت.

۱. سخنرانی ذبیح‌اله‌شاه‌محمدی با موضوع تاریخ شفاهی زنجان در دوران معاصر

۲. سخنرانی دکتر محمد صدرا با موضوع تاریخچه سلفی گری در سه جلسه تابستان ۹۴ در فرهنگسرای امام خمینی

۳. بازدید از مقبره میرزایی ها و مجتهدی هامهر ۹۴

۴. بازدید از مساجد تاریخی زنجان، آبان ۹۴

۵. نمایشگاه آثار جمال نورانی خوشخو که در کنار آن آثار مربوط به انجمن نیز عرضه در قالب نمایشگاه کتاب عرضه شد، فروردین ۹۵

۶. برنامه دوره‌می … ادامه در ستون چایار (ستون روپر)

**تویخانه**–کتاب «خاطرات برهان السلطنه و آقاخان درامی» را که توسط دوست ارجمند جناب آقای عنایت‌الله رحمانی تهیه و تدوین شده‌است از طریق دوست گرامی جناب آقای دکتر سیدمعجتبی حسینی مدیر محترم موسسه‌ی مشکلات دریافت کردم

کتاب را با شوق فراوان خواندم. اشتیاق من ناشی از قربایت زمانی و مضمونی این اثر با رساله‌ی دکترای من بود که به بررسی مدرنیزاسیون و اصلاحات زنجان در عصر رضاشاه خواهد پرداخت.

همچنین بر خود وظیفه دانستم که به موجب فرموده‌ی شخص جناب آقای رحمانی که طی دیدارمان در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران فرمایش کردند، کتاب‌شان را خوانده و نظر خود را از جمیع جهات به ایشان اعلام نمایم. بنا براین طی مطالعه‌ی خود، دقت در حد توان به خرج دادم تا کتاب را معرفی و نقد کنم.

بدیهی است در زمانه‌ای که جهان از مرز آهن و سیمان و آجر و فنون و مرام و مشی مدرن عبور کرده و الزامات حیات بسی دگرگون شده است و فاصله‌ی عمری نسل‌ها به نحو عجبیی کوتاه شده است و دنیای دیجیتال و هوش مصنوعی به نحو گسترده‌ای وجودمختلف زندگی انسانزاتحت‌تأثیر خود قرار داده است، همتی بلند لازم است تا کسی آستین همت بالا زده و گوشه‌هایی از شناسنامه‌ی بخشی از کروی خاکی راثبت و ضبط کند.

لذا کتاب مورد نظر از این رو یک اثر واقعی و ارزشمند است. اثر به‌معنای خلق نشانه‌ای و با نقش زدن نشانه‌ای در مسیر حرکت تاریخی یک قوم، قبیله، جمعیت، جامعه، گروه انسانی و حتی فردی از افراد یک منطقه‌ی جغرافیایی که در حد خود منشاء ظهور و بروز رفتارهایی موثر بر یک جغرافیای سیاسی شده‌است.

جستن، یافتن، پالودن و به زیور طبع آراستن دست نوشته‌هایی از اشخاصی که شاید به نظر خیلی‌ها مهم نبوده‌اند به تنهایی کاری ارزشمند است. خواندن دست‌نوشته‌ها، اثرشایب بر رخداد‌های هم‌زمان با رویدادهای مندرج در دست‌نوشته‌ها که از آن به عنوان خاطرات یاد می‌کنیم، خود قابلیت و مهارت ارزشمندی است.

لذا کتاب حاضر از نظر انعکاس توان و اراده‌ی تدوین‌گزار ارزش بالایی برخوردار است.

در این کتاب مطالب و وقایعی ذکر شده است که پیوندمنطقه‌ی زنجان و مشخصاتصاخرامرابر خندادهای ملی در اواخر دوره‌ی تاریخی قاجار، عصر رضاشاه و آغازین سال‌های حکومت محمدرضا شاه نشان داده و برخی جریان‌های مهم تاریخی را به‌ویژه ذیل موضوع مساله‌ی جنگل و مساله‌ی آذربایجان در ارتباط با عناصر سیاسی اجتماعی و اقتصادی منطقه توضیح می‌دهد.کتاب از این نظر بسیار ارزشمند است

در برخی موارد محتوای خاطرات مندرج در کتاب توضیحی خواسته و یا ناخواسته از مسیر تحول سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ادبی و… در عصر مربوط به مندرجات در کتاب ارایه می‌دهد. تحولات مربوط به تعلیم و تعلم، اشتغال و تولید، سیاست و ادبیات، اخلاق و فرهنگ، ملت‌ملیت و برخی دیگر و جوهر جامعه‌ی ایرانی، که کوچک‌ترین آن اشاره‌ی ناخواسته‌ای است به تحول رخ داده در حوزه‌ی اقتصاد و تولید و مزدبگیری؛ که در آن زنان از امکان اشتغال در فضای کارخانه‌ای در عصر رضاشاهبر خوردارمی‌شوند(اشتغال زنان در کاخانه‌ی کبریت‌سازی سعادت‌زنجان).

علاوه بر نکاتی که در متن خاطرات وجود دارد باید به پیوست‌های منظم در پایان کتاب هم اشاره کرد که آقای رحمانی در این پیوست‌ها اسناد و تصاویر (عکس‌های) ارزشمندی را درج کرده‌اند که از ارزش تاریخی بسیاری برخوردار هستند. اگرچه نحوه‌ی اندراج این اسناد و عکس‌ها و موضوعیت برخی از آن‌ها مورد نقد من قرار دارد.

انتخاب آقای رحمانی نیز از جهتی دیگر جالب توجه است که برهان‌السلطنه و آقاخان درامی را انتخاب کرده‌اند.

در روایت، دو ادبیات، دو رویکرد، دو موضع، دو وضعیت و دو گرایش که هر کدام به تنهایی اثری جذاب است. مطالعه‌ی مجرد این دو خاطره خواننده را به همدلی و همدردی با قهرمان آن داستان وا می‌دارد در حالی که اثر تقابلی این دو بیان، خواننده را از فضای همدردی و همدلی و افسوس و دروغ و هرگونه ارتباط عاطفی با قهرمانان آن خارج کرده، روایت دیگری را به دست می‌دهد. خواننده از فضای داستانی خارج و وارد صحنه‌ی تاریخ می‌شود. این بار نه از موضع عاطفی که از منظر سیر تحولی تاریخ و رفتارشناسی به‌شیرمی‌گردد.

## تویخانه

# کتاب ارزشمندی که نیازمند تصحیح است

## نقدی بر کتاب «خاطرات برهان السلطنه دارایی و آقاخان درامی»

ابوالفضل اجلی – دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تبریز

اینجا اوج هنر تدوین‌گر کتاب است و من از این هنر نمای بسیار لذت بردم.

از نقاط قوت این اثر باید به دقت آقای رحمانی در ثبت اعلام اشخاص و اماکن اشاره کنم که هرچه

سعی کردم در این بخش خطایی پیدا کنم کامیاب‌نشدم.

نکاتی چند در مورد کتاب که در صورت رعایت می‌تواند مفید باشد و در تجدید چاپ و یا در تهیه، تدوین و تألیف کتب بعدی مد نظر قرار بگیرد:

–عنوان روی جلد کتاب با عنوان کتاب در شناسنامه برابر نیست و باید عین‌به‌عین مطابق باشد.

–در بخش دیباچه اساساً آنچه که آورده شده است ارتباط موضوعی، مفهومی و توضیحی با محتوای کتاب ندارد. دیباچه‌ی کتاب بیشتر به رویکرد پدیدآورنده (تهیه‌کننده و تدوین‌گر) نسبت به تاریخ‌نگاری و تحلیل کتب تاریخی مربوط است. خود قرم را داده است، همتی بلند لازم است تا کسی

(برابر عنوان) دو نفر از افراد تأثیر گذار زنجان(منطقه‌ی طارم) در مقطعی از تاریخ زنجان است. اگر به هردلیلی بپذیریم که مندرجات کتاب حاضر خاطرات مربوط به افراد مذکور است، بدین معنا

که اساساً محتوای مندرج را به لحاظ تقسیمات ادبی در عداد خاطره بدانیم، بایستی دیباچه هم در ارتباط مستقیم با آن باشد. بدین معنی که مطالب دیباچه باید، خاطرهنویسی را شرح داده به معرفی برخی خاطرات چاپ شده در این حوزه بپردازد و کارکرد خاطره و خاطره نویسی در مطالعات و تحقیقات تاریخی را ذکر کند.

–همچنین شایسته بود نویسنده‌ی دیباچه در مورد سبک‌نوشتاری نگارندگان خاطرات که خاطرات‌شان بر این کتاب آمده است، نقد و بررسی کوتاهی به عمل آورند.

–نویسنده‌ی دیباچه بایستی اطلاعاتی از دوره‌ی زمانی وقوع حوادث را ارایه می‌داند و اشاره‌ی تقویمی به تعلق خاطرات می‌کند و یاداعل انتخاب خاطرات این دو فرد را در دیباچه مورد اشاره قرار می‌داند. اگر چه خواننده پس از مطالعه‌ی کل کتاب به‌علل مورد نظر پی‌می‌برد که لازم است این آگاهی پیشینی باشد نه پ‌سنینی.

و اما در مورد محتوای دیباچه هم نکاتی به نظر می‌رسد:
–روایت‌های تاریخی اساساً زمانی پدید می‌آیندکه



شده است (صفحه‌ی ۹) که نه در پاورقی این صفحه اطلاعاتی از آن داده شده است و نه در بخش معرفی منابع. درست‌تر این است که در پاورقی و بخش منابع معرفی کاملی از آن ارایه‌شود.

–در متن دیباچه صفحه‌ی ۱۰ به گفتمان مقاومت اشاره شده‌است که معلوم نیست این گفتمان بر خاسته از نظر و اندیشه‌ی چه کسی است. شاید نویسنده این

که مقاومت یک گفتمان است باید بحث شود. شاید تلقی گفتمانی نویسنده از مقاومت ناشی از تقابل انتقادی گروه‌ی از نویسندگان بامورخان (نویسندگان رسمی و درباری) باشد.

–در صفحه‌ی ۱۱ از اسلام‌ستیزی و اسلام‌ساتسوری بحث شده است که درست نمی‌نماید. اساساً سیاست‌های عصر پهلوی رویکردهای سیاسی جدید به مذهب و رفتارهای دینی بوده است. در همین صفحه‌ها عبارت «اگر ایدئولوژی» استفاده شده است که مفهوم نیست.

–در بخش دیباچه عباراتی وجود دارد که مفهوم نیست. باید توجه داشته باشیم، در نگارش کتاب لزوماً آنچه که خود ما می‌فهمیم برای خواننده هم مفهوم نیست و باید مفاهیم به صورتی ساده بیان و در مواقع لزوم توضیح داده شود. مثلاً «درک صحیح از ماهیت تکرارپذیری الگوهای تاریخی» یعنی چه و اساساً

چگونه ممکن است؟ (صفحه ۱۲ پاراگراف آخر)
**نکاتی دیگر:**

–در بخش مقدماتی، دو فرد مذکور که خاطرات‌شان در این کتاب درج شده‌است باید معرفی شده باشند. –تدوین‌گر بایستی گزارشی از فرآیند دستیابی و اقدامات مقدماتی در خصوص تهیه و تدوین کتاب را اریه و مسایلی و مشکلات احتمالی را خاطر نشان شوند.

–در بخش پیوست برخی اسناد عکس هلدست‌نوشته‌ها شناسنامه و راهنما نام دارد و به نظر می‌رسد درج آن‌ها زحمت بیهوداست.

–ساختار خاطرهنویسی و عنوان‌بندی باید مشخص می‌شده که آیا این عناوین توسط نویسنده‌ی خاطرات تعیین شده‌است یا تدوین‌گر بر اساس سلیقه‌ی خود بدین کار دست زده است.

–یکی از ویژگی‌های خاطرات این است که ادبیات به کار رفته در خاطره نویسی بیشتر به زبان محاوره‌ای و تعبیر محلی و جایگاه‌های شغلی و خانوادگی افراد بستگی دارد لذا شاهد حضور کلمات، عبارات و حتی جمله‌بندی‌های خاصی هستیم که تدوین‌گر همچون یک مصحح بایستی نسبت به توضیح برخی کلمات در پاورقی اقدام نماید. همچنین در برخی موارد لازم است عبارات تکمیلی و توضیحی داخل کרוشه برای فهم بهتر مطلب توسط خواننده در متن اضافه‌شود.
–در این کتاب غلط‌هایی تأییب آن‌قدر زیاد است که نمی‌توان با آسودگی برخی صفحات را خواند. خواننده وسواس غلط‌یابی پیدا می‌کند و این امر به ارزش کتاب لطمه وارد می‌کند.

–در برخی موارد معلوم نیست خطا به نویسنده برمی‌گردد، به ناشر برمی‌گردد و یا به تدوین‌گر!
–در برخی موارد به دلیل ناتوانی زبان فارسی و مشکلات ناشی از محدودیت‌های نوشتاری رسماً لخط فارسی کلمات منقلب شده‌اند. مثلاً «اظهار» را «احضار» (ص ۸۴) تایپ کرده‌اند و یا « معقوده» را «معهوده» نوشته‌اند که در معنی اختلاف است و در برخی مواقع تعبیر زشتی پدیدمی‌آید.
–اشتباهاتی در متن وجود دارد که منشاء آن معلوم نیست چه کسی است و لازم است که تدوین‌گر یا توضیح‌درون‌متنی بر مبنای قواعد خود را مبراسازد.
–مقایسه‌ی سبک نگارش دو فرد مذکور از وظایف تدوین‌گر است.

–به نظر می‌رسد آقاخان درامی در نوشتن خیلی ماهر نبوده و جملات در بسیاری موارد مخبون است. یعنی دهم‌ریله است که تدوین‌گر می‌توانسته‌اند با اضافه کردن یک فعل، گذاشتن نقطه یا ویرگول بر اساس مبانی و دستور زبان فارسی و قواعد ویرایش به مفهوم‌سازی و روان‌سازی متن کمک کنند.

–از نباط موضوعی پیوست‌ها در بسیاری موارد مورد اشاره قرار نگرفته‌است. پیوست‌ها بایستی مرجوعی از متن بوده و یا به موجب مطلبی خاصیت اسنادی و راستادی می‌دلثت‌اند.

–در بخش اسناد دست‌نوشته‌هایی وجود دارد که افراد عادی توان خواندن آن را ندارند و بهتر بود بازخوانی شده و برابر نهاد آن هم صورت می‌گرفت.
–تقریباً در تمامی صفحات حداقل یک غلط‌تأییبی تا چند غلط تأییبی وجود دارد که بایستی به ناشر تذکر قانونی‌داد.

–پاورقی‌های خوبی وجود دارد لیکن به لحاظ شکلی مناسب نبوده و می‌توانست به صورت پی‌نوشت در پایان و در بخش ضمیمه بیاید.



## ادامه از ستون گرامافون

برنامه دوره‌می در باغ معین زنجان به همراه تجلیل از

نورانی خوشخوشه شهر یوز ۹۵

۷. برگزاری آئین پاسداشت سنت‌های کهن چهارشنبه سوری در زنجان، اسفند ۹۵

۸. برگزاری سلسله نشست‌های آشنایی با نظریه‌ها و روش‌های مطالعات تاریخی و علوم انسانی (با تاکید بر مطالعات زنان) با حضور دکتر صدرا عضو هیئت علمی دانشگاه زنجان پاییز و زمستان ۹۶.

جلسه اول نشست آشنایی با نظریه‌ها و روش‌های مطالعات تاریخی و علوم انسانی (با تاکید بر مطالعات زنان) با حضور دکتر صدرا، چهارشنبه ۲۰ دیماه،

دومین نشست علمی انجمن در سالن جلسات کارخانه کبریت در ۲۰ دی ماه سال ۱۳۹۶ به بررسی تبارشناسی نظریه‌های مربوط به جبر و اختیار و تبیین دیدگاه‌های مختلف در این مورد از طرف اندیشمندان در دوره‌های مختلف تاریخی اختصاص داشت.

جلسه سوم مسئله ساختار/ کار گزار چهارشنبه ۲۷ دی ماه ۹۶، جلسه چهارم بررسی کتاب فلسفه تاریخ و روش شناسی، تاریخ نگاری دکتر حسینعلی نوذری چهارشنبه ۴ بهمن ماه ۹۶،

جلسه پنجم میشل فوکو، آثار و اندیشه‌ها چهارشنبه ۱۱ بهمن‌ماه

جلسه ششم بررسی آرا و اندیشه های آنتوسر، لاکان و فرید چهارشنبه ۲۵ بهمن ۹۶ماه

۹. تشکیل جلسات متعدد اعضای هیأت‌رئیس و جلسات هماهنگی و برنامه‌ریزی با اعضای انجمن

همایش یک روزه نقش اقتصاد و کارآفرینی زنان در تاریخ زنجان

از دیگر برنامه‌های انجمن برگزاری همیشه یک روزه‌ای در باره جایگاه زنان در اقتصاد زنجان بود. این نشست در تاریخ ۲۸ تیرماه ۱۳۹۶ و به همت انجمن زنان پژوهشگر تاریخ دفتر زنجان و به میزبانی فرهنگسرای زندگی، برگزارشد.

اجرای دو کارگاه کار تیمی در فرهنگسرای زندگی و موسسه صدرا، مدرس خاتم زهرا فتحی رئیس انجمن زنان کارآفرین استان زنجان

اولین کارگاه مبانی و روشهای کار تیمی مدرس خاتم زهرا فتحی، که توسط انجمن زنان پژوهشگر تاریخ دفتر زنجان در فرهنگسرای زندگی در ۱۷ آبان ۹۶ برگزار گردید

گزارش دومین کارگاه مبانی و روشهای کار تیمی، انجمن زنان پژوهشگر تاریخ دفتر زنجان

بندبال برگزاری جلسه اول کارگاه مبانی و روشهای کار تیمی، توسط خانم دکتر زهرا فتحی ، آبان ماه سالجاری

در فرهنگسرای زندگی و استقبال اعضا ی انجمن و علاقمندان که کار تیمی و مشارکت‌های فرهنگی اجتماعی و تمایل شرکت کنندگان به ادامه مباحث در جهت انجام یک کار گروهی به عنوان خروجی این کارگاه، دومین جلسه کارگاه مبانی و روش های کار تیمی‌با حضور گرم و صمیمی اعضا ی انجمن و دوستانران فعالیت های اجتماعی، با اجرای خانم دکتر زهرا فتحی در مورخه ۲۷ آبان ۹۶ در مؤسسه صدرا بر گزار گردید.

–رونمایی از کتاب خاطرات مکتب خانه و افتتاح دفتر جدید انجمن زنان پژوهشگر تاریخ شعبه زنجان

مراسم رونمایی از کتاب «کودکی سیمین(۱) خاطرات مکتب‌خانه» تألیف خانم سکنیه(سیمین) حاج‌علی اکبری، نشر آستان جئاتن و افتتاح دفتر جدید انجمن زنان پژوهشگر تاریخ – شعبه زنجان، در روز چهارشنبه ۲۶ بهمن ماه ۱۴۰۱ در پژوهشسرای امیراعلم غضنفریان، با حضور اساتید دانشگاه، اعضای انجمن، پیشکسوتان فرهنگی و علاقمندان عرصه پژوهش و مطالعات فرهنگی برگزارشد.

برگزاری جلسه سخنرانی علمی با همکاری انجمن ایرانی تاریخ در ۱۴ بهمن ماه ۱۴۰۳

–باموضوع «ضرورت توجه به گفتمان انجمن‌های تاریخی زنان» با حضور دکتر شوکت افشاری

برگزاری جلسه نقد و بررسی کتاب زنان زنجان و انقلاب ۵۷، تألیف دکتر پرویز فتح‌اله پور در ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴

دوست نویسنده و پژوهشگر جناب آقای عنایت‌المرحمانی

چاپ و انتشار کتاب (خاطرات برهان السلطنه و آقاخان درامی) را به شما دوست نویسنده و پژوهشگر تبریک و شادباش می‌گویم و برای تان آرزوی توفیق و ماندگاری دارم

رضا سقایی

**جناب آقای مسعود بیات‌متن**
**معاونت عمرانی استانداری زنجان**

**درگذشت پدر گرامی تان را به شما و خانواده‌ی محترم بیات‌متن تسلیت می‌گوییم. برای آن عزیز سفر کرده رحمت و مغفرت و برپای یکبارک داغدیدگان صبر و سلامتی آرزو مندیم**
**محمود عباسی**

**جناب آقای مسعود بیات‌متن**
**معاونت عمرانی استانداری زنجان**

**درگذشت پدر گرامی تان را به شما و خانواده‌ی محترم بیات‌متن تسلیت می‌گوییم. برای آن عزیز سفر کرده رحمت و مغفرت و برپای یکبارک داغدیدگان صبر و سلامتی آرزو مندیم**
**محمود عباسی**

## معاون استاندار زنجان عنوان کرد: تولید ۵۰۰ مگاوات برق خورشیدی در افاق بلندمدت

**موج پیداری** - معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار زنجان گفت: برنامه‌های بلندمدت در استان زنجان برای توسعه نیروگاه‌های خورشیدی هدف گذاری شده‌اند. نرگس مرادخانی روز چهارشنبه ۷ خرداد در پیل تخصصی ناترازی انرژی برق در استان زنجان، با اشاره به اهمیت انرژی به عنوان «تمام ثروتی که می‌تواند منجر به حرکت و تولید شود»، اظهار کرد: برنامه‌های بلندمدت در استان زنجان برای توسعه نیروگاه‌های خورشیدی هدف گذاری شده‌اند. او با اشاره به هدف گذاری تولید ۵۰۰ مگاوات برق خورشیدی در افاق بلندمدت و ۶۰ مگاوات تا پایان سال جاری برای استان زنجان، تصریح کرد: این گام‌ها در راستای کاهش وابستگی به منابع انرژی سنتی و حرکت به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر، با توجه به چالش‌های ناترازی میان عرضه و تقاضا در سطح ملی و جهانی، حائز اهمیت است.معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار زنجان با اشاره به واگذاری حدود ۱۸۰۰ هکتار از اراضی منابع طبیعی به شرکت برق منطقه‌ای، گفت: بهره‌برداری از ۱۰۰۰ هکتار آن برای احداث نیروگاه‌های خورشیدی تصویب شده است. وی با بیان اینکه توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر فرآیندی زمان‌بر است و به‌طور میانگین حدود دو سال زمان برای بهره‌برداری نیاز دارد، افزود: این اقدام نشان‌دهنده پتانسیل بالای استان زنجان در بهره‌برداری از انرژی خورشیدی و عزم جدی مسئولان برای تحقق اهداف توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر است. مرادخانی ادامه داد: در حال حاضر، تولید برق در کشور از طریق منابع مختلفی از جمله یک درصد اتمی، نیروگاه‌های آبی، نیروگاه‌های سوخت فسیلی و سیکل ترکیبی صورت می‌گیرد که برنامه‌ریزی برای افزایش سهم انرژی خورشیدی می‌تواند به تنوع بخشی سبد انرژی کشور و کاهش آلاینده‌های زیست‌محیطی کمک شایانی کند.

**معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار زنجان در بخش دیگری از سخنان خود به پدیده ناترازی میان عرضه و تقاضا، در حوزه انرژی اشاره و اذعان کرد:** این ناترازی زمانی رخ می‌دهد که میزان تولید و عرضه انرژی، هم‌گام با میزان مصرف تقاضا نباشد. این پدیده می‌تواند دلایل متعددی از جمله رشد فزاینده جمعیت و صنایع، پایین بودن بهره‌وری انرژی، اتلاف انرژی در شبکه‌های توزیع و عدم سرمایه‌گذاری کافی در زیرساخت‌های تولید انرژی داشته باشد. او با تاکید بر این ناترازی نه تنها در ایران، بلکه در سطح جهان نیز قابل مشاهده است، یادآور شد: مصرف انرژی روندی رو به افزایش دارد. حل این چالش نیازمند راهکارهای جامع و چندجانبه شامل بهینه‌سازی مصرف، توسعه منابع انرژی تجدیدپذیر و بهبود زیرساخت‌های انتقال و توزیع انرژی است. با توجه به افزایش روزافزون مصرف انرژی و تغییرات اقلیمی، لازم است تدابیر جدی برای آینده پیش‌بینی شود. مرادخانی با بیان اینکه بهره‌وری انرژی در کشور پایین است که یکی از عوامل تشدیدکننده ناترازی عرضه و تقاضاست، خاطر نشان کرد: بهینه‌سازی مصرف انرژی در تمامی بخش‌ها از خانگی و تجاری تا صنعتی و کشاورزی، می‌تواند تأثیر چشمگیری در مدیریت این چالش داشته باشد. این همایش باید یک خروجی مشخص داشته باشد تا بتوان برنامه‌های عملیاتی و راهکارهای اجرایی را برای مقابله با چالش‌های انرژی و افزایش بهره‌وری ارائه داد.



### مدیر کل صمت استان زنجان:

## مسیر ارزآوری تولیدکنندگان زنجان هموارتر می‌شود

**موج پیداری** - مدیر کل صمت استان زنجان گفت: در جریان جلسات متعدد و فشرده با معاونان و مدیران ارشد وزارت صمت، بسیاری از مطالبات و مشکلات از سوی فعالان اقتصادی استان مطرح شد که بخشی از آنها در همان زمان با دستورات مستقیم حل و فصل شد و مابقی در دستور پیگیری جدی قرار دارد. به گزارش روابط عمومی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی زنجان، در مراسم تجلیل از صادرکنندگان برگزیده استان زنجان، امیرعلی مسیبی؛ مدیر کل اداره صنعت، معدن و تجارت استان زنجان با قدردانی از تلاش‌های مدیران و فعالان بخش صنعت، معدن و تجارت استان، از برگزاری این رویداد ملی و نقش آن در انگیزش صادرکنندگان تقدیر کرد. وی با اشاره به سابقه ۲۵ساله این رویداد تصریح کرد: امیدواریم که برگزاری چنین رویدادهایی به رونق صادرات استان کشور کمک کند. مسیبی با اشاره به سفر وزیر صمت به زنجان و برگزاری جلسات فشرده با فعالان اقتصادی گفت: در جریان این جلسات، بیش از ۸۰ مورد درخواست و مشکل از سوی تولیدکنندگان و صادرکنندگان استان مطرح شد که بخشی از آنها همان‌جا با دستورات مستقیم مسئولان وزارتخانه حل شد. ویاقی نیز در دست پیگیری قرار دارد. وی افزود: جلسات تا پاسی از شب ادامه داشت و تلاش شد مشکلات واحدهای تولیدی به‌صورت عملیاتی بررسی و برای آنها تصمیم‌گیری شود.

معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار زنجان گفت:

ما بارقه‌ای که شعر پروین دلشت بیشتر به سبک و نگاه اجتماعی، مناظره، مظلّم‌ستیزی و موضوعاتی از این قبیل بودولی چیزهایی که ما در تاریخ شعر زنان مشاهده می‌کنیم چیزهایی است که شعر پروین از آن عاری است. اگر اسم پروین را از زیر شعرهایش برداریم متوجه نمی‌شویم شاعر این شعر مرد است یا زن؟ کارکرد زنانه یا عنصر زنانه در شعر او غایب است و فکر می‌کنم به خاطر ماهیت تاریخی آن است. اگر غول‌های ادبی آن دوره را بررسی کنیم با شعرانی مانند دهخدا و بهار مواجه می‌شوید که بر شعر دیگران تأثیر می‌گذاشتند. اما بعد از انقلاب نیما فضای شعر فارسی دگرگون شد یعنی محصل تلاش‌های نیما ظهور ققنوس‌هایی بود که شعر ایران را منحول کردند مثل آتش، مثل سهراب که از فضای شرق دور و از آن مدینه فاصله صحبت می‌کرد یا شاملویی که در دهه چهل و پنجاه با خواندن اشعارش تحولات سیاسی رایگیری می‌کردند. انقلاب نیما منجر به ظهور و تولد شاعری به نام فروغ می‌شود که اشعارش انقلاب بزرگی در شعر زنان به پا می‌کند. براهنی می‌گوید: «فروغ تاریخ‌ساز شعر زنان است» و حتی می‌تواند تاریخ‌ساز شعر زنان امروز هم باشد. چون در همین سال‌ها هم به این شکل‌به این ظرافت و به این عربیاتی شعری نداشتیم.

رحمتی با اشاره به اینکه تا پیش از فروغ برخی مفاهیم قدسی و آسمانی بودند و در شعر فروغ به زمین آمدند، اظهار کرد: «فروغ با شعرش ما را با مفهوم انسان آشنا کرد و به نوعی شعر فروغ یکی از اتفاقات مهم در ادبیات معاصر ما تلقی می‌شود. چند سال پیش یک فستیوال شعر در ترکیه برگزار شد، در آنجا زبان‌شناسی بود که می‌گفت شما در شعر مردان شاعری ندارید که به پای ما برسید. اما در شعر زنان، شما شاعری به نام فروغ دارید که نه تنها در ایران بلکه در خاورمیانه بی‌نظیر است و این اتفاق مبارکی است که در شعر زنان افتاده است. هر چند هرودوت معتقد است وقتی شاعری بزرگ زاده می‌شود نسل شاعران بعد از خود را نابود می‌کند به این دلیل که همه دوست دارند مانند او باشند.

رحمتی بیان اینکه من خاتم سیاحتی را از سال‌های دور می‌شناسم و با شعرهای ایشان آشنا هستم، گفت: این کتاب در واقع یک‌نوع آموزشی برای این شاعر است در مواجهه با فضای زندگی، در مواجهه با ژورنالیسم و در مواجهه با تجربیات اکتسابی او و من این مجموعه را دوست دارم.

این شاعر افزود: آن سکسون، امیلی دیکسون، سیلویا پلات نام شاعران زنی است که در ادبیات جهان شنبه می‌شوند. می‌خواهم بگویم شعر زنان به یکباره متحول نشده بلکه حاصل یک بازه ی زمانی بسیار طولانی است و به عبارتی حاصل رنج تمام زنان جهان است که سرکوب شدن خودشان، شعرشان احساس و عاطف‌شان را بر دوش کشیده‌اند و این به نظر من یک اتفاق بزرگی بود و در ایران هم ترجمه این آثار ادبیات ما را تحت تأثیر و تحول قرار داد و شعر زنان ما، در وضعیت درست خود قرار گرفت.

رحمتی ادامه داد: در جایی از کتاب «درخت‌ها دویده‌اند» تک‌های از شعر فروغ استفاده شده بود ولی به نظر من شعر سیاحتی آن قدر خوب هست که نیازی به تمسک به شعر دیگری نداشته باشد. به نظر من بعد از یک دوره‌ای شاعر به جایگاهی می‌رسد که باید دستخط و امضای خودش را داشته باشد و شعرهای سیاحتی کامل بودند و نیازی به سطرهایی از فروغ نبود.

این نویسنده و منتقد گفت: شعر سیاحتی یک روایت است و این روایت مرکب است که ما را با ذهن داستان‌آشنایی کند. این روایت‌شناسی در شعر معاصر به دوره‌ی ساختارگرایی و پساساختارگرایی می‌رسد. این رفتار بلاغی در شعر سیاحتی بسیار هوشمندانه است و به این دلیل که می‌تواند احساسات و عواطف و آن‌و عالم و آن خلجان‌های روحی و آن صداهایی که در جهان زنانه موج می‌زند به شکل شاخصی در شعرش مطرح شود. رحمتی افزود: وقتی شعر برن مایه‌روایی پیدایی کند بهتر می‌توانیم آن را درک کنیم و بفهمیم چون ما انسان‌ها از دیر باز عاشق قصه بودیم. قصه‌های پلریزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها ما عاشق روایت هستیم و این روایت کمک می‌کند. شعر سیاحتی قابل فهم باشد. شعرهایی که در این مجموعه منطق داستانی دارند، مثلاً شعرهای ص ۳۹، ۴۱ یا ۴۴ شما روایت داستانی را در این شعرها کاملاً مشاهده می‌کنید. سیاحتی گاهی اوقات دوست دارد در شعرهایش حکیمانه صحبت کند. و با یک نگاه بسیار عمیق به جهان نگاه کند و مادی‌گرا اجازه نداریم در لابلای این روایت و خرده روایت‌ها و زیرساختی که شعر دارد به آن نزدیک شویم:

شهر من / تازه عروسی‌ست / که لبخند / از یادش رفته است / ولی رشته کوهی که او را / در آغوش گرفته / زیبایی را به آسمان می‌برد / شهر من / عروس زیا / سپید بخت شوی / و دانه‌های برف / مرواریدهای درخشان دامنت. دوباره برمی‌گرم به کتاب و آنجا نمونه‌های درخشانی هستند که فکر می‌کنم این اتفاق باید در شعر فاطیما

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: فرامرز نجاری
رییس شورای سردبیری: حسین نجاری
لیتوگرافی و چاپ: شاخه سبز
نشانی: زنجان، خیابان ۱۷ شهریور، ابتدای خیابان انقلاب اسلامی، پلاک ۳۴
تلفن: ۳۳۵۸۱۷۰ ، کد پستی: ۴۵۱۸۳۳۷۹

# شاعری که راوی رنج زن معاصر است

## جلسه‌ی نقد کتاب شعر «درخت‌ها دویده‌اند» برگزار شد



فاطمیما سیاحتی شاعر و روزنامه‌نگار، ۲۸سال سابقه‌ی شاعری و ۲۰ سال کار رسانه‌ای یکی از شاعران و روزنامه نگاران شناخته‌شده در عرصه‌ی شعر امروز است.

سیاحتی در سال ۸/اولین مجموعه شعر خود را با عنوان «هیچ پرندهای به اندازه‌ی پرواز آزاد نیست» به صورت مشترک با همسرش حسین نجاری منتشر کرد.

دومین مجموعه شعر او با نام «چکه‌های زخم در تاریکی» در سال ۹۵ از نشر بوتیمار منتشر شد. سومین کتاب شعر ایشان نیز با نام «درخت‌ها دویده‌اند» در پاییز سال گذشته به بازار نشر آمد.

سیاحتی چندین جوایز استانی و کشوری، در کارنامه‌ی شعرش خود دارد از جمله سه دوره جایزه‌ی شعر و قصه‌ی استان، جایزه‌ی کنگره‌ی سراسری شعر جوان کشور در سال ۸۴ و نیز جایزه‌ی شعر بهاران تهران که به همت نشرهای چشمه و مروارید در سال ۹۷ برگزار شد و ضیا موحد، عباس صفاری، احمدپوری و شهاب مقربین از داوران آن بودند.

سیاحتی جوایزی نیز در زمینه‌ی روزنامه‌نگاری دارد که آخرین آن کسب رتبه‌ی دوم استانی در زمینه‌ی یادداشت‌نویسی در سال ۱۴۰۲ است. او به اتفاق حسین نجاری و دوستان شاعرش، نشست‌های شعر خوانش را در تهران راه‌اندازی کرد که خود دبیر آن بود. در نشست‌های شعر خوانش و تولدی دیگر از سال ۹۶ تا ۴۰۱ که مهم‌ترین جلسات شعری آن بر به به شمار می‌رود، غول‌های شعر و ادبیات و تئورسین‌های ادبی امروز ایران حضور یافته‌و سخنرانی کردند. از جمله ضیا موحد، مراد فرهادپور، بابک احمدی، فرزانه سجودی،

عباس مخبر، علی باباجاهی، حافظ موسوی، احمد پوری، مسعود احمدی، هوشنگ چالنگی، قطب‌الدین صادقی، محمود معتقدی، شهاب مقربین و چندین شاعر دیگر در این نشست‌ها شرکت کردند.

او گزارش سخنرانی و شعرخوانی این نشست‌ها را به صورت مجموعه‌ای دو جلدی تدوین نموده و جلد اول آن با بیش از ۴۵۰ صفحه، با اخذ مجوز، از وزارت فرهنگ در دست ناشر ادبی است.

خاتم سیاحتی علاوه بر این‌ها در حوزه‌ی فیلم‌سازی نیز فعالیت‌دارد. فیلم مستند استانی «فوق قوشوم» به کارگردانی مشترک او و حسین نجاری، نیز به تهیه‌کنندگی موسسه فرهنگی هنری منکات در سال ۴۰۱ در زمرة ۵ فیلم برتر جشنواره‌ی گردن‌آفتاب‌هستان قرار گرفت.

همچنین فیلم کوتاه «ایع ماهی» به کارگردانی مشترک این دو فیلم‌ساز، یکی از نامزدهای «جشنواره زنان آسیایی» در سال ۴۰۲ شد. ولی از دریافت جایزه‌ی باز ماند. فاطیما سیاحتی به همراه حسین نجاری فیلم‌های مستندی از چهره‌های ادبی و نویسندگان معتبر امروز ایران ساخته‌اند که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «نهنگی در تنگ» مستند حسین منزوی است که به صورت مشترک با ناصر قهرمانی ساخته‌اند.

«گل‌گلان» مستند استان نویسر پیش‌کوسوت شهر زنجان زندیادامیر تقی فاضلی
اگر دوبر درخت مانده» مستند حافظ موسوی
«گل‌زنامه» مستند احمدپوری
«نغمه‌ی داود» مستند زنده‌یاد داود فیرحی و...



معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار زنجان گفت:

سیاحتی بیافتد. این منتقد خاطر نشان کرد: در این کتاب بسیار رفتار مدرنی در شعرها وجود دارد، حرکت‌های بسیار تک‌اندندم‌های در شعرها هستند که اگر بخواهیم آینده‌ای برای شعرهای ایشان متصور شویم از این دریچه یا از این نگاه است. برای نمونه در شعر شماره ۲۰ این‌گونه می‌نویسد:

سلما! / آیا تا به حال / آیشار نیاگارا را دیده‌ای؟ / سلما عینک ته استکانی‌اش را / درون دره‌ای پر تاب کرد / و روی خطوط نقره‌ای / آن‌قدر آرام رقصید / که در تاریکی / آب است. فقط آب! / روی این پل چوبی / پرنده کوچک بهشتی بی‌خبر از همه جا / با صدای تلق تلولق قطار / آهسته‌می‌رقصد / و نمی‌داند / قانون / گردن‌بندی از طناب برایش می‌یابد / برقص سلما / سلما برقص / گاه مرگ / روح چون برگ‌ی لرزان / از شاخه جدا می‌شود. / سلما برقص / سلما! / چشم‌هایت را ببند / دیگر چیزی برای دیدن وجود ندارد.»

همچنان‌که می‌بینید ما با یک شعر روایی مواجه هستیم. شاعر یک سری المان‌ها را فراهم می‌آورد و از آن‌ها عبور می‌کند. در شعر «الیلا» که از چنین فضایی برخورداریم: گندم / در هوای زن روستایی / نان می‌شود / او کلمه در نگاه من / خورشیدی است / که خوشه‌های گندم را / در خیابان می‌رویاند / زنان روستایی / پیامبرانی که / اعجاز‌شان / قرص نان است در آغوش آتش / اما زنی که معجزه‌اش کلمه است / عاشق است / و نیعی از کورموزم‌های به ارث برده / مادرانگی ست / اعجاز من / شعری است / که جهان را / در آغوش می‌گیرد / و شکوفه‌های سرما زده را / شیر می‌دهد / زمین به رویش دوباره / محتاج است / این بار / نوبت ظهور زنی ست / که کتاب‌مقدمش / لبخند اوست.

این شعر یکی از شعرهای بسیار خوب این مجموعه است، که واقعاً از خواندن آن لذت بردم و واقعاً شعر درخشانی است یعنی ما از ۱۲۴ هزار پیامبری که داریم هیچ کدامشان زن نیستند و شاعر در اینجا دنبال پیامبری است که شاید این بار زن باشد و چقدر زیباست! او چقدر زیبا در این شعر اتفاق می‌افتد، از منظر نگاه یک مادر از منظر نگاه یک زن زمین به رویش دوباره محتاج است / و این بار نوبت ظهور زنی است / که کتاب مقدمش / لب‌نخل اوست.

رحمتی گفت: اینجا یک آشنایی زدایی اتفاق می‌افتد. فرم گراهای روس به طغیان هنر معتقد بودند همین طور ویتگنشتاین در بازی‌های زبانی به آن اشاره می‌کند چون بازی زبانی ریشه در کارکرد زبان دارد و اینجا این اتفاق می‌افتد و یک شعر درخشان حتی به لحاظ ریتمیک خلق می‌شود که شاعر می‌خواهد هم سنت را بشکند هم از زمان انتقام بگیرد، چرا همه چیز به نام مردان است و آرزو مند است! اگر پیامبری بخواهد ظهور کند زنی باشد که دیگر از رنج‌رهایی پیداکرده و لبخند او کتاب مقدس خواهد بود و این اتفاق بسیار مهمی است و شاید مشابه آن را دفتر خیلی از شاعران ندیده باشم و فکر می‌کنم سیاحتی با این نگاه و با این روایت می‌تواند از شعرش الگوی سبکی بسازد، زیرا این تم هم کارکرد اجتماعی دارد. هم کارکرد تاریخی.

میخائیل باختین یکی از منتقدین روس مولفه‌های مهم شعر را اینگونه برمی‌شمرد: یک عنصر روایت است که مولفه‌ی بسیار مهمی است. او جزئی‌نگری و کهن‌الگویی از دیگر مولفه‌های مهم شعر مدرن می‌داند و در شعر سیاحتی اگر آن جزئی‌نگری را کمتر شاهد باشیم ولی کهن‌الگویی و روایت در اشعار او بسیار پر رنگ است و ما می‌توانیم شعر سیاحتی را شعر مدرن بدانیم و این شعره که به آن اشاره کردم شعر بسیار موفق و درخشان است. برای نمونه این شعر را می‌خوانم: «روی شاید ملافه می‌کشی و / پروانه‌ها را / در شلال موهایت / سنجاق می‌کنی / صبح را / از کشوی میزت / بیرون می‌آوری / آفتاب پشت پرده را / ورق می‌زنی / گوش به احوال می‌سپاری / اترانه‌ای قدیمی / از دهان رادیو فیلیپس / پخش می‌شود / زن / آواز خوان / سکوت خانه را / می‌شکند / و تو روز را / با آن ترانه / ادامه می‌دهی / ستاره‌ها / به آسمان باز می‌گردند / پروانه‌ها را / از میان موهای سپیدت / می‌پرانی / و شب را / از کشوی میزت / بیرون می‌آوری»

من این شعر را خیلی دوست دارم، بدون تعارف و نان قرض دادن می‌گویم و فکرمی‌کنم این شعر می‌تواند یک پیشنهاد تازه در شعر معاصر ما باشد. وقتی این شعر را نگاه می‌کنم متوجه می‌شوم که چقدر زیباست شعر را می‌خوانم دقت کنید چه اتفاقی در سازه‌های آن می‌افتد و چه اتفاق درخشانی در فرم ساختار این شعر می‌افتد. خیلی ساده است! اتفاق عجیب و غریبی نیست ولی اتفاق مهمی در این شعر می‌افتد. صبح را از کشوی میزش بیرون می‌آورد و شب را دوباره تکرار می‌کند. زندگی روزمره‌ی زنانه و شاعر چقدر هوشمندانه این روزمرگی را روایت می‌کند و فکر می‌کنم شعر امروز ما به همین ظرافتی نیاز دارد. اگر ما با این ظرافت آشنا شویم شعر... ادامه در ستون روپرو

## ادامه گزارش نقد کتاب

### «درخت‌ها دویده‌اند»

زندگی روزمره‌ی زنانه و شاعر چه قدر هوشمندانه این روزمرگی را روایت می‌کند و فکر می‌کنم شعر امروز ما به همین ظرافتی نیاز دارد. اگر ما با این ظرافت آشنا شویم شعر ما تغییر خواهد کرد. این نگاه جزئی‌نگر که از آن صحبت کردم این نگاه جزئی‌نگر که از آن صحبت کردم و گفتم در شعرهای سیاحتی محدود هستند. در این شعر به زیباترین شکل خودش را نشان داده و اگر بخواهیم آینده‌ای برای شعر سیاحتی متصور شویم از این دست شعرها باید بیشتر از او ببینیم. وقتی شاعر توانایی نوشتن این شعر و شعر لبخند زن پیامبر ی که جهان را نجات خواهد داد را دارد به طور قطع می‌تواند خیلی زیباتر از اینها هم خلق کند.

رحمتی ادامه‌داد: شخصیت خاتم سیاحتی یک شخصیت ادبی، اجتماعی سیاسی است و با شناخت بیش از دو دهه او می‌دانم که شعرهای او اجتماعی است و اگر جامعه‌ها هنر بگیرند دیگر چیزی از آن باقی نمی‌ماند و سیاحتی توانسته در جامعه‌ای که زن در آن در رنج است را به زیبایی نشان بدهد.

حامد بابیان اینکه هایدگر می‌گوید: «زبان خانه‌ی وجود است»، افزود: شعر سیاحتی در حوزه‌ی زبان نسبت به مجموعه‌ی قبلی رشد قابل توجهی داشته است و شعرها اجرای سالمی دارند. با شعرها می‌توانید قدم بزنید. راه بروید و اینگونه شعرها بسیار لذت بخش است. شعر امروز ما به همین شعرهایی نیاز دارد. زمانی بود که می‌گفتند شعر باید بازی زبانی داشته باشد، قبول‌لولی دیگر ما فرصت چنین کارهایی را نداریم یعنی مخاطب امروز دیگر فرصتی برای خواندن چنین کارهایی را ندارد. فکر کنند بنشینند یا زل فلسفی حل کند یا رساله‌ی فلسفی بخواند. التذاذ خواندن شعر باید به همان اندازه آیت آن باشد که در شعر اتفاق می‌افتد. رحمتی با بیان اینکه زبان تمام شعرهای سیاحتی سالم و بی نقص هستند، گفت: فقط در بعضی از شعرها به لحاظ قطع باید سطرها کمی پایین بیایند. وقتی یک جایی فضای شعر عوض می‌شود سطرها پایین بیایند خوانش شعر بهتر می‌شود... همچنین ایماژ و تصاویری بسیار درخشانی در شعرها وجود دارند و کشف‌های شهودی بسیار دلچسبی در این مجموعه اتفاق افتاده که برای جذابیت آن افزوده است: «تو رودخانه‌ی / من جوانه‌ای که ساق‌هایش را درون آب انداخته...»

این تصویر یک تصویر خیلی بکری است. یعنی یک عکس است، یک عکس فوق‌العاده و چه قدر هم عنصر زنانگی جالبی دارد. یا «تو رودخانه‌ای / تصویر درخت‌ها را به دور دست می‌بری». چون رودخانه حالت ایستنا داشته و حرکت دارد و این تصاویر را با خودش همراه می‌کند و این تصاویر در شعر به لحاظ تصویری بسیار جالب است و ایجاد حرکت می‌کند. یا شعر دیگر: «هر سنگ این رودخانه سنگ قبری است برای ماهی‌ها» یعنی این تصویر، عکس بسیار چشمگیری است. در شعر: «چشم‌های تو حیاط زندانی است سبز، که در آن خبری از بهار نیست» یا «امن کند لبری گوشه‌ی جشنمان پدر / در خیال باریدن دارم نه میل رفتن». این سطرها با تصاویر خلاقانه‌ای روبرو می‌شویم. این‌ها عکس‌های فوق‌العاده‌ای هستند و حقیقتاً کارکرد زبانشناختی بسیار درخشانی دارند.

یک شعر دیگری از سیاحتی را باهم بخوانیم: طناب‌ها دار می‌شوند / طناب‌ها مار می‌شوند / او می‌پیچند دور گلوی تو / گلوی کیبود تو / جنگلی سوخته است / دلتنگی از سینه‌ی دیوار / چکه می‌کند / و عقربه‌های ساعت / نیزه‌هایی که در پیشانی‌ات / فرو می‌روند / تنهایی دار می‌شود / تنهایی مار می‌شود / او می‌پیچد در گلوی روح تو / روح تو / بهاری که می‌خواهد / از میان دیوارهای اجبری / عبور کند / طناب‌ها پاره می‌شوند / طناب‌ها... و زندانیان پیر / خاکستر سیگارش را / در انتهای راه‌رو می‌تکاند.

همچنان که گفتم جنس شعر سیاحتی اجتماعی است. نیما می‌گوید: «شاعر باید فرزند زمانه‌ی خود باشد»، همان‌گونه که شاعر «درخت‌ها دویده‌اند» فرزند زمانه‌ی خود است. امروز ما در وضعیت کنونی و در این برهه از تاریخ به شعرهای اجتماعی نیاز داریم و شعر ما باید کارکرد اجتماعی داشته باشد و شما این شعر را ببینید چه قدر زیباست! چه قدر شاعر دارد با کلمات خوب بازی می‌کند و در نهایت چه پایابندی بی‌نظیری دارد! اینجا شاعر می‌گوید شما اگر مرا حتی زندانی هم بکنید، زندانبان پیر شما هم در زندان است، شاعر چه نگاه هوشمندانه‌ای دارد! این خیلی زیباست!

در عین حال شعر «طناب‌ها دار می‌شوند» در زمینه‌ی زیباشناسی موسیقایی نیز خوب تحقق یافته است. وقتی تکرار اتفاق می‌افتد این تکرار هوشمندانه است. به خاتم سیاحتی تبریک می‌گویم این مجموعه‌ی خوب را که عنوان بسیار زیبایی هم دارد.

در نهایت کار باید بگویم که انتظارات ما با این مجموعه برای مجموعه‌های بعدی از خاتم فاطیما سیاحتی بیشتر شده و این کتاب خود نوید بخش فرادهای بهتری است. به امید آن روز.